

فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان

رسول ربانی*، علی ربانی**،

محمد رضا عابدی***، محمد گنجی****

چکیده

مقاله حاضرکه به سنجش میزان احساس شادی سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان و زمینه‌های فرهنگی از جمله سرمایه فرهنگی، سبکهای فراغتی فرهنگی (علمی - فرهنگی، هنری - هنری، ورزشی و ...) و همچنین دینداری به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ می‌پردازد، یک بررسی پیمایشی است که از نظر وسعت پهنانگر و از نظر زمانی، مقطعی است (نیمه دوم سال ۱۳۸۶). جامعه آماری آن کلیه سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان هستند و حجم نمونه مقتضی براساس فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر تعیین شده است. به طوری که پرسشنامه طراحی شده با روایی سازه‌های مناسب (طبق ضریب آلفای کرونباخ) بر حسب نسبت خانوارهای هر منطقه در بین مناطق مختلف شهر اصفهان توزیع شده است.

براساس نتایج حاصل از روشهای آماری مورد استفاده، میزان شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان ۵۶/۲۳ بوده، به گونه‌ای که میانگین بُعد احساسی شادی ۵۹/۳۷، میانگین بُعد شناختی ۵۳/۸۸ و میانگین بُعد اجتماعی آن ۵۵/۴۲ است. همچنین میانگین سرمایه فرهنگی در جامعه مورد مطالعه ۲۷/۵۷ است که کسب مهارتهای فرهنگی با میانگین ۳۱/۸۹ دارای بیشترین حد و کسب مدارک فرهنگی دارای کمترین میانگین (۱۹/۱۶) است؛ همچنین میانگین دارا بودن وسایل فرهنگی در جامعه آماری مورد مطالعه ۳۱/۶۸ است. به علاوه در بین سبکهای فراغتی تعیین شده توسط تکنیک تحلیل عاملی، میانگین اوقات فراغت خانوادگی ۵۳/۷۸، اوقات فراغت تفننی ۳۶، اوقات فراغت ورزشی ۲۸/۰۱، اوقات فراغت فرهنگی - هنری ۲۰/۴۳ و اوقات فراغت علمی - فرهنگی ۱۵/۳۴ است. براساس آمارهای موجود اگرچه میزان سرمایه فرهنگی و سبکهای فراغتی در بین سرپرستان میانگین پایینی دارد اما همواره با احساس شادمانی آنها همبسته است به طوری که به نظر می‌رسد با افزایش آنها میزان شادی نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر دینداری نیز به عنوان یکی از مشخصه‌های فرهنگی در شهر اصفهان با احساس شادی سرپرستان خانوار رابطه معنی دار و مستقیم دارد.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی، شادی، اوقات فراغت، دینداری، تعاریف عاطفی و احساسی،

تعاریف شناختی

* عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان alirabbani8786@yahoo.com

** عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان rarabani@ltr.ui.ac.ir

*** عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان m.r.abediedu.ui.ac.ir

**** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان m545_g@yahoo.com

مقدمه

احساس شادی و نشاط یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان به شمار می‌رود و به دلیل تأثیرات عمده بر سالم‌سازی و بهسازی جامعه، مدت مدیدی است ذهن آدمیان را به خود مشغول کرده است به طوری که امروزه بسیاری از ملل به نوعی در صدد ایجاد یک جامعه سالم و با نشاط هستند، زیرا به نظر می‌رسد احساس شادی از یکسو انسانها را برای زندگی بهتر و بازدهی بیشتر آماده می‌کند و از سوی دیگر به دلیل ویژگی مسری بودن آن، بستگیهای فرد را با محیط گسترده می‌کند. از این رو مادامی که شهروندان احساس شادی کنند، همواره در خدمت به شهر و افراد جامعه اهتمام بیشتری می‌ورزند. از این منظر نقش شادی و نشاط در زندگی افراد به حدی بسزاست که متفکر اجتماعی راسکین^۱ بر این نکته تأکید می‌ورزد که «ثروتمندترین کشور، کشوری است که بیشترین افراد شاداب را زیر بال خود داشته باشد» (مظفر، ۱۳۷۹: ۱۳).

همچنین احساس شادی و نشاط، نقطهٔ مقابل احساس افسردگی است و «پویایی و تحرک جامعه تا حد زیادی به فراوانی عناصر شادی‌آفرین مشروع و کاهش اضطراب، افسردگی و غم در جامعه بستگی دارد» (طریقه‌دار، ۱۳۷۹: ۱۲)؛ چنانکه برخی پژوهشها نشان داده‌اند، وضعیتهای اجتماعی نابسامان، ملال‌آور و پراضطراب یکی از عوامل اصلی توقف استعدادها و باروری خرد و اندیشه در یک جامعه است که می‌تواند روابط فرد با اجتماع را مختل نموده، به تدریج نیروی انسانی را ضعیف کرده، قوای جسمی و فکری را فرسوده و انسانها را برای قبول ضعف و ناتوانی که مغایر با توسعه و تعالی است، آماده سازد. از سوی دیگر همواره باید توجه داشت که «پیشرفت سریع علم و فناوری، علی‌رغم ایجاد مزایای فراوان، خلأهایی را نیز برای انسان معاصر به وجود آورده است. موج فزاینده افسردگی، پایین آمدن سن خودکشی (استفاده مضاعف از شادی‌کننده‌های موقت و مصنوعی)، افزایش طلاق و بزهکاری و بسیاری از مشکلات روانی - اجتماعی دیگر، واقعیت‌های انکارناپذیری هستند که نشان می‌دهند شادی در حال رخت برستن از جوامع است» (آرگایل، ۱۳۸۳: ۱۱).

بنابراین لزوم پرداختن به مقوله احساس شادی و نشاط و عوامل فرهنگی ایجادکننده آن از آنجا ناشی می‌شود که به نظر می‌رسد امروزه پیشرفت هر جامعه در گرو استفاده بهینه از نیروی انسانی آن جامعه است و یکی از مهم‌ترین اصول در حوزه مدیریت منابع انسانی، توجه به مقوله شادی و نشاط انسانهاست، زیرا انسان با نشاط، انسانی کارا، مبتکر، مولد و سازنده است و همین اعمال مثبت به سلامت فیزیکی و روانی او نیز کمک شایانی خواهد کرد. بر این اساس در نظر گرفتن این مقوله در سیاستگذاریهای فرهنگی،

1. Ruskin

مستلزم شناخت و بررسی دقیق و علمی آن پدیده است. علمی که به گفته کنت^۱ براساس روشهای اصولی و منظم نشان دهد که چگونه انسانها در یک جامعه زندگی می‌کنند و چگونه باید شرایط و موقعیتهای خود را برای ایجاد شادی و نشاط تغییر دهند (گلانزر، ۲۰۰۰: ۵۰۳). از طرف دیگر فرهنگ نیز به عنوان وجه ممیزه انسان از دیگر موجودات، مفهوم گسترده‌ای است که به نوعی تمامی الگوهایی را که در جامعه آموخته می‌شوند و از طریق نمادها منتقل می‌شوند و تمامی دستاوردها از قبیل زبان، هنر، صنعت، حقوق، دانش، دین، اخلاق، سنتها و حتی ابزارهای مادی را دربر می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۷۴). به عبارت دیگر فرهنگ عبارت است از کلیه ساخته‌ها، پرداخته‌ها، اندوخته‌ها، آداب و رسوم، مقررات و عقاید، هنر و دانسته‌های عامه که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (قرائی‌مقدم، ۱۳۷۷: ۱۴۸). از این رو آن شامل مجموعه ارزشهای مادی و معنوی است که فرد طی رفتار آگاهانه از جامعه انسانی آموخته و یا توسط تکنیکها، شیوه‌های گوناگون، نهادهای اجتماعی، باورها، اشکال مختلف تماس و غیره تحت تأثیر قرار می‌گیرد، به طوری که ادوارد تایلور^۲ در کتاب فرهنگ اولیه در سال ۱۸۷۱ فرهنگ را عبارت از مجموعه علم و دانش، هنرها، افکار و عقاید، اخلاقیات، مقررات و قوانین، آداب و رسوم و سایر آموخته‌ها و عاداتی می‌داند که انسان به عنوان یک عضو جامعه کسب می‌کند (مساواتی‌آذر، ۱۳۷۲: ۲۰۷). بنابراین از این منظر که فرهنگ عامل وحدت‌بخش ارزشهای اجتماعی است، نظم‌بخش رفتارهای افراد و تقویت‌کننده همکاری و روابط آدمیان است، می‌توان چنین فرض نمود که آن عاملی مؤثر در بروز و ظهور هیجانات (احساسات) و رفتارهای متناسب با وضعیتهای خاص است.

به‌طور کلی دیدگاههای فرهنگی در زمینه احساسات (هیجانها) بر این مقوله تأکید می‌کنند که آنچه انسان فکر می‌کند، احساس می‌کند و انجام می‌دهد، به وسیله قالبها، چهارچوبها و فعالیتها و به‌طور کلی عناصر فرهنگی تعیین می‌شوند و تفاوت جوامع در میزان شادی را نیز باید ناشی از فاکتورها و شاخصه‌های آن جوامع دانست. اکمن^۳ در این خصوص معتقد است که «در روان‌شناسی احساسات اغلب، عمومی^۴ و زیستی^۵ اند. اما اخیراً روان‌شناسان دارای رویکرد فرهنگی، بر نقش معانی عامه (فولکور و احساسات عمومی) در شکل‌گیری هیجانات تأکید می‌کنند. به طوری که معتقدند آن معانی در تعیین و تنظیم شیوه‌های زندگی اشخاص مؤثرند. اکمن این تأثیرات را تأثیر فرهنگ بر هیجانات می‌داند (اوشیدا، ۲۰۰۴: ۲۲۴).

از این رو با توجه به اهمیت پژوهشی موضوع مورد مطالعه، مقاله حاضر در صدد بررسی و تحلیل پدیده احساس شادی و رابطه آن با فرهنگ و زمینه‌های فرهنگی در بین سرپرستان خانوارهای شهر

1. A. Comte
2. E. Taylor
3. Ekman
4. universal
5. biological

اصفهان در حد توان است، زیرا به نظر می‌رسد که نمود احساس شادی و غم سرپرست خانوار در خانه، بر احساسات تمامی اعضای خانواده مؤثر است و شناسایی عوامل فرهنگی ایجاد کننده و کاهشده احساس شادی و نشاط و تقویت آن در بین سرپرستان، می‌تواند به شادی خانواده او نیز منجر شود. بنابراین مقاله حاضر با رویکرد دستیابی به اهداف فوق در پی پاسخگویی به این سؤالات است که:

- شادی افراد مورد مطالعه به چه میزان است؟

- شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان با چه عوامل فرهنگی همبسته است؟

چهارچوب نظری

۱. شادی

مطالعات نظری و تجربی (علمی) در خصوص شادی حدود یک قرن است آغاز شده (گلاتزر، ۲۰۰۰: ۵۰۱) و تأمل و دقت در آن مطالعات نشان می‌دهد تاریخ تحقیقات مربوط به این پدیده، تاریخ پریشانی^۱ است و به دلیل ظهور معانی متعدد از این واژه (happiness) موانع عدیده‌ای بر سر راه تولید تفکر و اندیشه در این مقوله رشد کرده است. البته به نظر می‌رسد امروزه به دلیل روی‌آوری بسیاری از تحقیقات به پدیده شادی و کنکاش در این زمینه، تا حدی از این بلا تکلیفی کاسته شده و حتی پیشرفتهایی نیز در سطح مفهومی به دست آمده که در نهایت به ارائه تعاریف متعددی از این واژه منجر شده است.

در بخشی از این تعاریف کوشش شده تا پدیده شادی با عام‌ترین تعبیرات و مفاهیم، همانند کیفیت زندگی، بهزیستی^۲، سلامتی^۳ و ... تبیین شود. مشکل عمده این بخش از تعاریف آن است که در برخی موارد از آنان به عنوان یک تعریف کلی و چترگونه^۴ استفاده می‌شود و به نظر می‌رسد که آن مفاهیم بیشتر تمایل به واگرایی دارند (وینهوون ۲۰۰۰: ۱-۲).

در بخش دیگری از تعاریف، مفروضاتی نهفته است که به ارتباط شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه مربوط می‌شوند، زیرا این نظرگاه چنین استدلال می‌کند که «لازم است آنچه را که مردم در مورد شادی فکر می‌کنند، منعکس شود تا از این طریق مفهوم شادی در آن فرهنگ مشخص شود و این به معنای آن است که مردم می‌توانند قضاوت کنند و تعبیری از مفهوم شادی را در قالب فرهنگی و ارزشی خویش ترسیم نمایند» (لو، ۲۰۰۱: ۴۰۸-۴۰۹).

1. confusion
2. well-being
3. health
4. umbrella

بنابراین با تمام توجهی که در تحقیقات متعدد بر تعریف مفهومی «شادی» شده است، اما به نظر می‌رسد فقدان نظم و انضباط مفهومی در این زمینه مشکلاتی را در پژوهشهای متعدد ایجاد کرده است، اما به رغم تمامی مشکلات و با وجود عوامل تردیدافکن در امکان دستیابی به یک تعریف واحد و کمتر خدشه‌پذیر، به هر صورت در هر مطالعه اجتماعی ناگزیر به انشاء یک یا چند تعریف هستیم. لغت «شاد» در فرهنگ عمید به معنای خشنود، خوشحال، خوشوقت، بی غم، خوش و خرم آمده است (عمید، ۱۳۶۹: ۸۲۸) و در زبان انگلیسی واژه happy (شاد و خوشحال) یک صفت به معنای خوشبخت و خوش‌شانس^۱، خوش‌یمن^۲، خوشایند^۳، رضایت^۴، خشنودی^۵، خوش و با صفا^۶ تعبیر می‌شود (داینر، ۱۹۸۴؛ وینهوون، ۱۹۸۴ و لو، ۲۰۰۱: ۴۰۷). در اصطلاح انواع تعاریف مربوط به شادی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد که برخی تعاریف در قالب تقسیم‌بندی زیر ارائه می‌شوند:

۱-۱ تعاریف عاطفی^۷

این تعاریف در حقیقت شادی مستقیم و بی واسطه را شامل می‌شوند که شامل احساسات و عواطف مثبت شبیه لذت و خوشی در یک لحظه خاص است. چنین احساساتی از طریق اظهار تمایلات قابل دستیابی هستند و هیچ گونه شناختی را شامل نمی‌شوند (آت، ۲۰۰۶: ۵۱۸)، به طوری که سامنر (۱۹۹۶) این وضعیت احساسی را به «احساس سرزندگی و شادابی روح» تعبیر می‌کند (برولد، ۲۰۰۶: ۴). در قالب این گونه تعاریف جرمی بنتام^۸ معتقد است شادی حاصل جمع لذات و دردهاست که به تعادل و بالانس عاطفی منجر می‌شود یا به عبارت دیگر، شادی مبتنی است بر تعداد وقایع لذت‌بخش (آیزنک، ۱۳۷۸: ۱۹). همچنین برادبورن^۹ در تعریف خود از شادی بر این امر تأکید می‌کند که شادی عبارتست از میزان احساسات مثبت منهای میزان احساسات منفی. احساسات مثبت یعنی خوشی، سرحالی، لذت بردن و احساسات منفی همانند ترس، اضطراب، اندوه، دلهره و نگرانی (عابدی، ۱۳۸۴: ۱۸) و در نهایت موریس^{۱۰} نیز با تأکید بر جنبه آنی شادی، معتقد است در بسیاری از لحظه‌ها زمانی که برخی چیزها به

1. fortunate
2. lucky
3. pleasure
4. contentment
5. satisfaction
6. pleased
7. affective definitions
8. J. Bentham
9. Bradburn
10. Morris

طور شگفت‌انگیز^۱ در زندگی یک انسان اتفاق می‌افتند، موجی از عاطفه، احساسی از لذت شدید و انفجاری از شوق^۲ وجود دارد و آن لحظه‌ای است که فرد به درستی شادمان است. از این منظر موریس معتقد است شادی یک احساس عاطفی گذراست که می‌توان از آن به عنوان مُد^۳ تعبیر کرد (آت، ۲۰۰۵: ۳۴۵-۳۴۶).

بنابراین از منظر عاطفی، شادی یعنی احساس لذت، خوشی و خشنودی که احساسی درونی است و زائیده ذهن، فکر، خیال و روح یک فرد و نه قضاوت‌های تحمیلی او از بیرون (لو، ۲۰۰۱: ۴۲۲).

۱-۲ تعاریف شناختی^۴

این تعاریف «نتیجه فرآیند ارزشیابی کنکاشی و اندیشه‌ای^۵ است» (وینهوون، ۲۰۰: ۹) و شادی به عنوان یک تصور، عقیده و ارزیابی مثبت نسبت به کل زندگی تعبیر می‌شود. قضاوتی تقریباً متعادل و مبتنی بر استانداردها و انتظارات زندگی است و نتیجه آن، تصدیق اوضاع و شرایط زندگی براساس قیاس با وضعیت گذشته، وضعیت ایدئال و قیاس با وضعیت دیگران است (سامنر، ۱۹۹۶). برخی اندیشمندان (اشمیتز، ۱۹۳۰) در این راستا بر فقدان آرزوهای تحقق‌نیافته تأکید می‌کنند و معتقدند شادی حالتی است که در آن شخص دیگر آرزو، تمایل و خواسته‌ای ندارد (برولد، ۲۰۰۶: ۳).

در واقع این گونه تعاریف در پی پاسخگویی به این پرسش‌اند که بین واقعیت و استانداردهای زندگی یک شخص، چه میزان تفاوت است و وی اوضاع و احوال خود را چگونه ارزیابی می‌کند. آنچه که از این تعاریف استنباط می‌شود این است که اگرچه آنها عمدتاً در پی علت‌یابی وضعیت شادی هستند و از این‌روی بر قضاوتها و ارزیابیهای مثبت در انواع مقایسه‌ها و هم‌سنجیها تأکید می‌کنند، اما آنچه ملاک شادی از این دیدگاه واقع می‌شود، رضایت درونی از کلیت زندگی است و به همین دلیل است که برخی همانند‌های برون^۶ و چکولا^۷ این دیدگاه را، دیدگاه «خشنودی و رضایت از زندگی»^۸ و وینهوون آن را رضایت و خرسندی مطرح می‌کنند و بالاترین حد شادی را زمانی می‌دانند که فرد در ارزیابی شناختی خود، از کلیت زندگی خویش راضی است (همان: ۳). در قالب این گونه تعاریف وینهوون با تأکید بر نحوه قضاوت و ارزیابی فرد معتقد است که شادی عبارت است از درجه‌ای (رتبه یا اندازه) که در آن یک

1. wonderful
2. delight
3. flow
4. cognitive definitions
5. deliberate
6. Haybron
7. Chekola
8. life satisfaction

شخص در مورد کیفیت کلی زندگی‌اش به عنوان یک کلیت مطلوب^۱ قضاوت می‌کند (وینهون، ۲۰۰۶: ۲۲-۲۴). همچنین گلاتزر شادی را ارزیابی رویدادهای زندگی و رضایت از رخداد‌های متفاوت آن تعبیر می‌کند (گلاتزر، ۲۰۰۰: ۵۰۸) و ولسچ نیز درجه رضایت فرد از قضاوت خود در مورد کیفیت کلی زندگی را شادی تعریف می‌کند (ولسچ، ۲۰۰۳: ۲۹۹).

۳-۱ تعاریف ترکیبی^۲

در این گونه تعاریف شادی یک وضعیت روانی پیچیده، هم در بخش شناختی و هم در بخش عاطفی فرض می‌شود، یعنی فرد از یک سو ارزیابی مثبت توأم با شناخت از جنبه‌های متفاوت زندگی خود دارد (رضایت) و از سوی دیگر احساس عاطفی خوب و خوشایندی از زندگی در خود ایجاد می‌کند (برولد، ۲۰۰۶: ۴). از جمله تعاریفی که در این دسته قرار می‌گیرد، تعریف آرگایل و کروسلند^۳ از شادی است. آنان معتقدند: «شادی یک وضعیت روحی - روانی است که از سه عنصر تشکیل شده است: وجود خُلق و خو یا عواطف مثبت، فقدان خُلق و خو و احساسات منفی و رضایت (خشنودی) از تمام زندگی یا بخش‌های خاص آن» (فرانسیس، ۲۰۰۳: ۲۷۴). پل مارتین^۴ هم در کتاب «شاد ساختن مردم» چنین تعریفی از شادی ارائه می‌دهد (برگسمن، ۲۰۰۶: ۱۱۳).

همان‌گونه که در تعاریف فوق مشخص شد، شادی از مناظر متعدد تعریف شده است و اندیشمندان متفاوت اجزاء و مؤلفه‌های متعددی را برای آن تعیین کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به رضایت کلی از زندگی، رضایت از مقوله‌های خاص زندگی، وجود عواطف مثبت فراوان و فقدان عواطف منفی اشاره کرد. همچنین داینر و همکارانش در تشریح شادی و اجزای آن، آن را ارزشیابی احساسی و شناختی افراد از زندگی خود می‌دانند و اجزای شادی را رضایت از زندگی، وجود خُلق و هیجانات مثبت و خوشایند، نبود خُلق و هیجانات منفی و عوامل دیگری چون خوش‌بینی، عزت نفس و احساس شکوفایی مطرح می‌کنند. در این نظریه آنها ویژگی‌های افراد شادکام را داشتن دستگاه ایمنی قوی‌تر و عمر طولانی‌تر، برخورداری از روابط اجتماعی بهتر و مفیدتر، مقابله مؤثرتر با موقعیتهای سخت و دشوار، خلاقیت و موفقیت بیشتر و گرایش زیادتر برای کمک به دیگران معرفی می‌کنند (کشاورز، ۱۳۸۴: ۱۲) و در نهایت داینر و ساه^۵ پس از انجام مطالعات متعدد از جمله بررسی تحلیلهای ویلسون^۶ در سال ۱۹۶۷ شادی را دارای سه جزء اساسی می‌دانند که عبارتند از:

1. favorably
2. mixed definitions
3. Argyle & Crossland
4. Paul Martin
5. Suh
6. Wilson

الف) بُعد عاطفی (هیجانی) که در حقیقت خُلق و خویهای مثبت و خوشایند در افراد را شامل می‌شود.
 ب) بُعد شناختی که نوعی تفکر و پردازش اطلاعات را دربر می‌گیرد و به ارزیابی مثبت افراد از زندگی منجر می‌شود.

ج) بُعد اجتماعی که بیانگر گسترش روابط اجتماعی فرد با دیگران و به دنبال آن افزایش حمایت اجتماعی است. به عبارت دیگر این جزء از شادی گرایش‌ها و تمایلات فرد نسبت به اجتماع همانند علاقه به انسانهای دیگر، تأثیرگذاری مثبت بر آنها و ... را شامل می‌شود که یکی از مهم‌ترین اجزاء آن را تشکیل می‌دهد (داینر و ساه، ۱۹۹۷: ۱۹۵). براساس مجموعه تعاریف اندیشمندان و مؤلفه‌های مورد نظر آنها می‌توان شادی را ارزیابی افراد از کلیت زندگی و بخشهای متعدد آن (رضایت از کلیت زندگی و بخشهای آن)، بروز صفات و عواطف خوشایند (خوشحالی، امیدواری، دلگرمی، لذت، ارزشمندی، راحتی و آرامش ذهنی، خوش‌بینی و ...) و ظهور علائق و علائم مثبت اجتماعی در افراد اطلاق نمود به‌طوری‌که مؤلفه‌ها و اجزاء آن منطبق با جدول زیر است (جدول شماره ۱).

جدول ۱ اجزاء و مؤلفه‌های شادی

| مؤلفه‌ها | اجزای شادی |
|---|---------------------------------------|
| <p>۱. احساس خوشحالی</p> <p>۲. احساس امید نسبت به آینده (امیدواری)</p> <p>۳. احساس قدرت در کنترل تمامی جنبه‌های زندگی (احساس قدرتمندی)</p> <p>۴. احساس دلگرم بودن زندگی</p> <p>۵. احساس لذت از وضعیت موجود</p> <p>۶. احساس ارزشمندی زندگی و عشق ورزیدن به آن</p> <p>۷. احساس راحتی و آرامش ذهنی</p> <p>۸. احساس زیبا دیدن جهان و آنچه در آن است</p> <p>۹. احساس خود بودن و غیر نبودن (احساس افتخار به خود)</p> <p>۱۰. احساس خوش‌بینی نسبت به وقایع اطراف</p> | <p>جزء احساسی (هیجانی)</p> |
| <p>۱. رضایت کلی از زندگی (رضایت از کلیت زندگی)</p> <p>۱-۱ رضایت در اثر قیاس با گذشته</p> <p>۱-۲ رضایت در اثر قیاس با حالت ایدئال و مورد انتظار</p> <p>۱-۳ رضایت در اثر قیاس با انسانهای دیگر که قبلاً هم‌ردیف بوده‌اند</p> <p>۲. رضایت از بخشهای متعدد زندگی</p> <p>۲-۱ رضایت از شغل</p> <p>۲-۲ رضایت از درآمد</p> <p>۲-۳ رضایت از رسیدن به اهداف</p> <p>۲-۴ رضایت از میزان و کیفیت تغذیه</p> <p>۲-۵ رضایت از وضعیت مسکن</p> <p>۲-۶ رضایت از همسر</p> | <p>جزء شناختی (ارزیابی رضایت)</p> |
| <p>۱. علاقه به انسانهای دیگر و دوست داشتن آنها</p> <p>۲. تأثیرگذاری مثبت روی انسانهای دیگر و وقایع اطراف</p> <p>۳. شوخ‌طبعی و شوخی با دیگران</p> <p>۴. خندان بودن و یا تبسم در برخورد با دیگران</p> <p>۵. کنترل اعصاب (ناراحتی - عصبانیت) هنگام بروز اتفاقات ناخوشایند</p> <p>۶. شرکت در مجالس جمعی</p> | <p>جزء اجتماعی</p> |

۲. رویکردهای فرهنگی

کلمه فرهنگ^۱ از واژه لاتین *cultus* به معنای پرستش گرفته شده و در اصل به معنای بزرگداشت و تجلیل حرمت است. بعدها این کلمه برای تشریح فرآیند کشت و کار به کار رفت و بعد از آن به مفهوم پرورش و تهذیب روح و رفتار استفاده شد. این مفهوم در قرن نوزدهم برای توصیف روشنفکری و جنبه‌های زیبایی‌شناختی تمدن به کار رفت (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۸۹). از دید یونسکو «فرهنگ کلیت تامی از ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می‌کند. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات را دربر می‌گیرد بلکه شامل آئینهای زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظامهای ارزشی، سنتها و باورها نیز هست» (یونسکو، ۱۹۸۲: ۴۱).

بنابراین فرهنگ به عنوان وجه ممیز انسان از دیگر موجودات، مفهوم گسترده‌ای است که به نوعی تمامی الگوهای را که در جامعه آموخته می‌شوند دربر می‌گیرد و از این‌روست که دیدگاههای فرهنگی چنین ادعا می‌کنند که آنچه انسان فکر می‌کند، احساس می‌کند و انجام می‌دهد به وسیله قالبها و چهارچوبهای فرهنگی تعیین می‌شود و تفاوت جوامع در میزان شادی را نیز باید ناشی از فاکتورها و شاخصه‌های آن جوامع دانست. از نظر این دیدگاه به دلیل اینکه فرهنگ عامل وحدت‌بخش ارزشهای اجتماعی است، نظم‌بخش رفتارهای افراد است و تقویت‌کننده همکاری و روابط آدمیان به شمار می‌رود، می‌توان چنین فرض نمود که آن، عاملی مؤثر در بروز و ظهور هیجانات و رفتارهای متناسب با وضعیتهای خاص است. در حقیقت تئوریهای با جهت‌گیری فرهنگی معتقدند که هیجانات نتیجه مستقیم مکانیسمهای روانی یا عصبی نیستند بلکه بیشتر در بافتهای فرهنگی خاص و درونی واقع می‌شوند و مطابق با این نظر آنها به طور کامل با معانی فرهنگی عجین می‌شوند (همان: ۲۲۴). به نظر می‌رسد این تحلیل این گونه نتیجه می‌دهد که در مقوله هیجانات همانند شادی، معانی آن باید در هر فرهنگی به صورت متفاوت بررسی شود. بنابراین در هر فرهنگی مردم باید در اقبال متعدد دسته‌بندی شوند، رخدادهای مثبت و منفی زندگی آنها مشخص شود و سپس مفهوم و معانی شادی مشخص شود. اگرچه برخی معتقدند که بسیاری از متغیرهای فرهنگی فراسوی مرزها تعمیم می‌یابند اما باید توجه داشت که شاکله اصلی یک فرهنگ در یک جامعه خاص همچنان مسیر رفتارها را تعیین می‌کند که برای شناخت آن باید فرهنگها را با هم مقایسه کرد. بنابراین براساس اصل لذت، اگرچه لذت خوب فرض می‌شود و عدم لذت ناخوشایند و بد، اما همچنان در مورد اینکه چه چیزی لذت‌بخش است و چه چیزی نیست، باید به فاکتورها و عناصر فرهنگی همان جامعه رجوع کرد و سپس بر آن مبنا، ارزیابی و قضاوت کرد (داینر و لوکاس، ۲۰۰۰: ۶۳).

همواره باید توجه داشت که اگرچه در تأیید موارد فوق بسیاری از مطالعات نیز نشان می‌دهند که شادی هم در بین ملل متفاوت است و هم در طول زمان و این مقوله منجر به این نتیجه‌گیری می‌شود که شادی یک ویژگی نسبتاً ثابت در میان ملل و فرهنگها تصور می‌شود (اینگلهارت و ربیر، ۱۹۸۶)، اما با این حال برخی شواهد و نظریات تجربی برخلاف این نظریه تنظیم و تدوین شده‌اند (وینهوون، ۱۹۹۹). آن شواهد چنین استنتاج می‌کنند که اگرچه در برخی کشورها سطح شادی در دهه‌های گذشته ثابت بوده اما در برخی دیگر تغییرات معناداری از خود نشان داده است و علاوه بر آن اختلاف و ناپایداری شادی در درون کشورها نیز مطلبی قابل توجه است و ظاهراً ارتباط معناداری با برخی مشخصه‌ها و ویژگیهای ساختار اجتماعی کلان دارد، به طوری که بودون (۲۰۰۲) در این زمینه اذعان می‌دارد نهادها و ساختارهای اجتماعی امکاناتی را ایجاد می‌کنند تا زندگی طولانی‌تر و با کیفیت بهتر شود و در نتیجه شادی افزایش یابد (هالر و هادلر، ۲۰۰۶: ۱۷۵).

اما با تمام منازعات و مناقشات تئوریک و تجربی در زمینه تأثیر بافتهای فرهنگی بر مقوله هیجانات به‌ویژه شادی، طرفداران این رویکرد همواره معتقدند که فرهنگ به واسطه ابعاد شناختی، حسی و رفتاری که در اختیار افراد قرار می‌دهد، در ایجاد و تثبیت شادی نقشی مؤثر ایفا می‌کند و حتی خرده فرهنگهای موجود در یک فرهنگ که مبتنی بر عقاید، طرز تلقیها و ارزشهای خاصی هستند، در مواقع مختلف هیجانات و رفتارهای خاصی را تجویز می‌کنند (داینر و لوکاس، ۲۰۰۰: ۶۱). با توجه به اهمیت مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگی، در یک نگاه کلی، تحلیل متعدد از مقوله شادی در بافتهای فرهنگی را می‌توان در سه قسم خلاصه و تشریح کرد. آن سه قسم عبارتند از:

۲-۱ معانی فرهنگی از شادی

برخی معتقدند که «شادی ممکن است به وضعیت احساسات مثبت که بیشتر عمومی‌اند^۱ و منحصر به محیط یا رخداد خاصی نیستند، اطلاق شود (کیتایاما، ۱۹۹۵)، با این تعریف شادی احتمالاً جهانی است و به صورت نامحدود تصور و تجربه می‌شود، اما طرفداران تبیینهای فرهنگی شادی معتقدند که همین تصور و تجربه در یک بافت فرهنگی و محیطی خاص واقع می‌شود و وابسته به همان بافت و محیطی است که در آن روی می‌دهد» (اوشیدا، ۲۰۰۴: ۲۲۷). در همین راستا باگازی (۱۹۹۹) با مطالعه بر روی شدت احساسات خوشایند و ناخوشایند، چنین نتیجه گرفت که تفاوتهای فرهنگی در تصور از معانی و شاخصه‌های شادی به قدری زیادند که مثلاً احساساتی که در آمریکا همبستگی منفی با یکدیگر دارند در چین و کره دارای همبستگی مثبت هستند. همچنین کیتایاما^۲ و همکارانش دریافتند که مردم در

1. general
2. kitayama

فرهنگهای مستقل و آزاد (آمریکا) ممکن است به طرف احساسات کاملاً خوشایند و یا کاملاً ناخوشایند سوق یابند، اما در فرهنگهای وابسته و متکی به هم (ژاپن) ممکن است به ایجاد تعادل بین احساسات مثبت و منفی روی آورند (همان: ۲۲۹). همینطور تحقیقاتی که در فرهنگهای متعدد همانند فرهنگ چین توسط لو انجام شده‌اند به نوعی مدعای تبیینیهای فرهنگی را تأیید می‌کنند. لو پژوهشی کیفی را با عنوان «تفهم شادی؛ دیدگاهی به روان‌شناسی فرهنگی مردم چین» به انجام رساند تا از آن طریق تفکر قشری از مردم چین را در مورد شادی مطالعه کند. در این مطالعه ۱۴۲ دانشجوی دوره لیسانس در سنین ۱۹-۲۵ سال انتخاب شده و تفکرات آنها در مورد شادی مورد بررسی قرار گرفت. هدف کلی از انجام این پژوهش تعریف شادی از نظر دانشجویان مورد مطالعه است. آنچه در خصوص تعریف شادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته این است که آن مفهوم متناسب با نوع فرهنگ محلی حاکم بر زندگی دانشجویان به معانی مختلفی قابل تعریف است. برخی از مهم‌ترین طبقه‌بندی تعریفهایی که این پژوهش در اختیار قرار می‌دهد عبارتند از:

- شادی یک موقعیت یا یک وضعیت روانی توأم با خشنودی و رضایتمندی است. به طوری که این وضعیت روانی می‌تواند ناشی از ارضاء نیازها و انتظارات باشد. به عبارت دیگر شادی را می‌توان رضایتمندی اجتماعی، روانی و جسمانی و یا رضایتمندی از جریانات زندگی تعریف کرد.

- شادی یک هیجان یا طبع^۱ مثبت است که باعث برانگیختگی فرد می‌شود و نوعی احساس آرامش^۲ و گرمی^۳ خاص برای فرد به ارمغان می‌آورد.

- شادی یک حالت روانی است که موجب سازگاری، همسازی و هماهنگی فرد با محیط می‌شود. همچنین شادی تعادل بین جسم و روح است یا توانایی برای ایجاد تعادل بین ایدئالهای فردی و واقعیات اجتماعی، روان‌شناختی و جسمی است.

- شادی یک نوع احساس موفقیت و امید به رهایی از هرگونه بیماری جسمی، روانی و نگرانیها و سختیهاست. این وضعیت اغلب زمانی اتفاق می‌افتد که اهداف فرد محقق و پاداشهای لازم برای او مد نظر گرفته شوند. این دیدگاه از شادی اغلب معطوف به آینده است. به این معنی که شخص در زندگی کنونی خود احساس خوبی^۴ دارد و امیدوار است که چنین احساسی در آینده نیز ادامه یابد. به عبارت دیگر شادی رضایت از شرایط حاضر و امیدواری به پیشرفت در آینده است. این چیزی است که در فرهنگ چین، کنفوسیوس، تاتوئیسم و بودیسم نیز بر آن تأکید می‌کنند.

1. nature
2. relax
3. warm
4. worth

- شادی یک وضعیت سازگاری منطقی با بقاء و هستی است به طوری که از آن طریق شخص:
- از ارضای نیازها، اهداف و انتظارات راضی و خشنود است.
 - روابط شخصی و اجتماعی مناسب دارد.
 - احساس خودشکوفایی و عزت نفس^۱ می‌کند.
 - به مقولات معنوی بیش از مقولات مادی اهمیت می‌دهد.
 - یک چشم‌انداز مثبت در زندگی خود مجسم می‌کند و شکاف بین واقعیات و ایدئالها را می‌پذیرد و برای کاهش آن شکاف تلاش می‌کند.
 - احساس توانایی می‌کند یعنی توانایی خرد برای ایجاد و کشف موفقیت در زندگی (لو، ۲۰۰۱: ۴۱۷-۴۱۹).

۲-۲ انگیزه‌های اصولی ایجاد شادی

اگر معنای شادی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد، احتمالاً انگیزه‌هایی که بر شادی دلالت می‌کند نیز متفاوت خواهد بود. در فرهنگ‌هایی که شادی به موقعیتها و پیشرفت‌های شخصی تعبیر می‌شود اشخاص احتمالاً انگیزه زیادی دارند تا ویژگیهای شخصی خود را به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر شادی‌شان تثبیت کنند اما در مقابل در فرهنگ‌هایی که شادی به عنوان تحقق هماهنگیهای اجتماعی^۲ تعبیر می‌شود، تمایلات بسیار کمی در جهت انتساب شادی به موفقیت‌های فردی وجود دارد و شادی بیشتر حول هارمونیهای اجتماعی می‌چرخد؛ مثلاً تحقیقات بر روی ادبیات محرکها و انگیزش‌های فرهنگ‌های متفاوت نشان می‌دهند که آمریکاییها بیشتر از آسیاییها علاقه‌مندند تا خصایص درونی و شخصی مثبت و خوشایند (همانند موفقیت) را به عنوان مقوله‌ای که برای آنها شادی‌آور است، تثبیت و تصدیق کنند (کیتایاما، ۱۹۹۵) و به همین دلیل آنها بیشتر سعی می‌کنند تا شادیهای شخصی به دست آورند. در عوض آسیاییها به شدت تهییج می‌شوند تا اشکال جمعی و گروهی (عمومی) شادی را تجربه کنند. در یک پیمایش بین‌فرهنگی توسط مورلینگ (۲۰۰۳) مشخص شد که زنان حامله ژاپنی بیشتر از هم‌تایان آمریکایی تلاش می‌کنند تا به نصایح، عقاید و قضاوت‌های دیگران مثلاً همسر، والدین و پزشک خود اعتماد داشته باشند. بنابراین بیشتر نیاز دارند تا توسط دیگران تأیید شوند. همین مراقبت، حمایت و تأیید توسط دیگران به طور مستقیم در شادی آنان تأثیرگذار است (اوشیدا، ۲۰۰۴: ۲۳۰-۲۳۲).

1. selfsteem
2. social harmony

۲-۳ همبسته‌های فرهنگی شادی

متناسب با معانی فرهنگی شادی و متناظر با انگیزه‌های اصولی آن، به نظر می‌رسد مجموعه فاکتورهایی که شادی را تبیین می‌کنند نیز در هر فرهنگی متفاوت است؛ مثلاً داینر (۱۹۹۵) در پژوهش خود بر روی ۳۱ کشور نشان داد که عزت نفس در فرهنگهای فردگرا نسبت به فرهنگهای جمع‌گرا، ارتباط بیشتری با سطح شادی و رفاه افراد دارد و در کشورهای جمع‌گرا فاکتورهای شادابی بیشتر حول ساختارها و بافتهای اجتماعی - فرهنگی همانند: تطابق با فرمهای اجتماعی تأمین تعهدات و الزامات خویشاوندی و ... می‌چرخد. همچنین مطالعات انجام‌شده در آمریکا و اروپا نشان می‌دهند که وقتی افراد به اهداف و موفقیت‌های شخصی نائل می‌شوند، احساس شادی می‌کنند، اما در کشورهای آسیائی زمانی احساس شادی افراد مورد مطالعه افزایش می‌یابد که به اهداف و موفقیت‌های غیر شخصی همانند اهداف اجتماعی، اهداف خانوادگی و ... می‌رسند. به عبارت دیگر در این کشورها شادی تابعی از اهداف موفقیت‌آمیزی است که کمتر شخصی و مستقل‌اند (همان: ۲۳۱-۲۳۲).

به دیگر سخن، هیجانات و کنشهای انسانها متناسب با الگوها و رفتارهای فرهنگی، سرمایه‌های فرهنگی و به‌طور کلی نگرشها و ایستارهای فرهنگی که به سلیقه‌ها، مهارتها و کلاً شیوه زندگی متفاوت منجر می‌شوند، متغیر و متعدد است. به منظور آشنایی بیشتر با برخی از مهم‌ترین مقوله‌های فرهنگی از جمله سرمایه فرهنگی و اعتقادات مذهبی، در ذیل بدانها پرداخته می‌شود.

۲-۳-۱ سرمایه فرهنگی و شادی

سرمایه بسته به عرصه‌ای که در آن عمل می‌کند به سه شکل اساسی ظاهر می‌شود: الف) سرمایه اقتصادی که بی‌درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت درآید. ب) سرمایه فرهنگی که با بعضی شروط قابلیت سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل مدارک تحصیلی^۱ درآیند. ج) سرمایه اجتماعی که ساخته‌شده از تکالیف و تعهدات اجتماعی (پیوندها و ارتباطات) است و در برخی شرایط قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۳۶). در خصوص سرمایه فرهنگی رضائی (۱۳۸۴) در پژوهشی انواع سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو را تشریح کرده است که با اعمال برخی تغییرات ارائه می‌شود. در تقسیم‌بندی انواع سرمایه فرهنگی، بوردیو معتقد است که سرمایه فرهنگی به سه صورت تجلی می‌یابد:

1. educational qualifications

۱-۳-۲ سرمایه فرهنگی تجسم یافته^۱

این سرمایه با شخصی که در آن تجسم می‌یابد ارتباط نزدیک دارد. سرمایه تجسم یافته نوعی ثروت بیرونی است که بخش جدایی‌ناپذیر فرد شده است. این همان بخشی است که بورديو آن را ابعاد سرمایه فرهنگی همراه با تولد می‌نامد و می‌توان آن را از طریق هدیه، خرید یا مبادله به دیگری منتقل نمود. این نوع سرمایه به صورت آمادگیهای مداوم ذهن و جسم تجلی می‌یابد (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۷). به عبارتی این سرمایه بیانگر چیزهایی است که افراد می‌دانند و می‌توانند انجام دهند یا تواناییهای بالقوه‌ای است که به تدریج بخشی از وجود فرد شده و در او تثبیت شده‌اند (نوغانی، ۱۳۸۲: ۱۸).

۲-۳-۱-۲ سرمایه فرهنگی عینیت یافته^۲

سرمایه فرهنگی تجسم یافته لازمه سرمایه فرهنگی عینیت یافته است؛ یعنی باید امکانات لازم همراه با افراد واجد شرایطی که لازم و ملزوم یکدیگرند، شکل بگیرد تا از طریق آن سرمایه فرهنگی عینیت یافته نمود یابد. این نوع از سرمایه فرهنگی از بدیهی‌ترین و آشکارترین نوع سرمایه فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند گردند و بیشتر در کالاها و اشیاء مادی تجسم می‌یابد و از ویژگیهای بارز آن قابل انتقال بودن آن است و بدین جهت این نوع سرمایه به نوعی در شکل اقتصادی هم مطرح است. باری، شاید بتوان همه اشیاء و کالاهای فرهنگی را سرمایه فرهنگی عینی نامید (رمضانی، ۱۳۸۴: ۲۸).

۳-۳-۱-۳ سرمایه فرهنگی نهادی^۳

این نوع سرمایه فرهنگی از یک طرف وابستگی و ارتباط متقابل شدید با نوع اول سرمایه (تجسم یافته) دارد و قبل از هر چیز لازمه آن وجود افراد مستعد در جهت کسب انواع مدارک تحصیلی، دانشگاهی و یا آموزشگاهی است و از طرف دیگر وابسته به نهادهایی است که هم آن مدارک را صادر می‌کنند و هم به آن رسمیت می‌بخشند. این نوع سرمایه از قوانین و مقررات نهادینه شده حاصل می‌شود و برای دارنده آن پایگاه اجتماعی ایجاد می‌کند، مانند مدارک تحصیلی، تصدیق حرفه و ...؛ به عبارت دیگر این نوع سرمایه مرتبط با مدارج آموزشی و امتیازات، ضمانت شده است و به دارنده آن مدارج ارزشی متعارف، قانونی، دائمی و ضمانت شده اعطا می‌کند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴۶). احراز مدارک تحصیلی یا اعطای تمایز نهادی به سرمایه فرهنگی، این امکان را به وجود می‌آورد که صاحبان این صلاحیتها با هم مقایسه و حتی (با نشاندن یکی به جای دیگری) مبادله شوند.

1. embodied
2. objectified
3. insitutionalized

آنچه بورديو در مبحث سرمايه فرهنگي به آن تأکيد مي‌کند اين است که طبقات بالاي جامعه فقط امکانات اقتصادي و به تبع آن سلطه سياسي را در اختيار ندارند بلکه سرمايه فرهنگي را نيز در اختيار دارند. به نظر مي‌رسد کاربرد سرمايه فرهنگي از ديد بورديو بيشتر از اين جهت بود که طبقه‌اي که از امکانات مختلف فرهنگي برخوردار است همانند سرمايه اقتصادي، دائماً به تجديد سرمايه فرهنگي مي‌پردازد. طبقه بالاي جامعه با داشتن امکانات اقتصادي، سياسي و فرهنگي و از طريق آموزش و پرورش به بازتوليد فرهنگ مي‌پردازند و سرمايه فرهنگي خود را افزايش مي‌دهند و از طريق سرمايه فرهنگي شيوه رفتار، گفتار و نحوه عمل اجتماعي خود را از ديگر طبقات اجتماعي جدا مي‌کنند. از اين رو سرمايه فرهنگي تعيين کننده سطح پرستيژ فرهنگي سطوح مختلف ساختار طبقاتي در جامعه است. بورديو در تکميل اين مدعا معتقد است، همان طور که گروههاي اجتماعي در سرمايه مادي خود با يکديگر تفاوت دارند، در سبکها، مهارتها و مجموعه اطلاعاتي که براي رمزگذاري و تفسير موقعيتهاي اجتماعي چون تحصيل، کار و ... استفاده مي‌کنند نيز متفاوت هستند و ميزان تفاوت و تمايز آنها در سبک زندگي و فعاليتهاي مربوط به اوقات فراغت ظهور مي‌کند و سبب مي‌شود افراي که سرمايه فرهنگي پايين دارند نسبت به کساني که از اين نظر غني‌اند، شيوه زندگي متفاوتي داشته باشند (رمضاني، ۱۳۸۴: ۴۲). به کلام ديگر از نظر بورديو الگوهاي مصرف فرهنگي به نوعي طبقات اجتماعي مختلف را بازتوليد مي‌کنند. علاوه بر الگوهاي فرهنگي اين موقعيت اجتماعي مبتني بر ميزان بهره‌مندی فرد از سرمايه اقتصادي نيز هست، به طوري که درجه دسترسي به منابع مادي (سرمايه اقتصادي) و منابع ذهني و سمبليک (سرمايه فرهنگي شامل سطح تحصيلات و ... يا مالکيت محصولات فرهنگي و...) سهم سرمايه يک فرد را تعيين مي‌کند و از آنجايي که دسترسي به اين منابع در ميان افراد به طور برابر توزيع نمي‌شود يک سلسله مراتب اجتماعي از گزينه‌ها و فعاليتهاي فرهنگي عامه‌پسند و نخبه‌پسند ظهور مي‌کند، به گونه‌اي که مي‌توان با ملاحظه ذائقه افراد طبقه اجتماعي آنها را حدس زد (شکوري، ۱۳۸۳: ۲۲). از سوي ديگر سرمايه فرهنگي افراد زمينه‌هاي آريابي و تفسير متفاوت رویدادها و به عبارتي دانشهاي متفاوتي را براي آنان فراهم مي‌کند که اين مقوله براساس ديدگاههاي شناختي - که بروز و ظهور هيچانات را توليد تفکر انسان، نوع تفسير او از رویدادها و به طور کلي بازتاب نوع ادراک او از وقايع مي‌دانند - هيچانات متفاوتي در افراد و گروههاي متعدد ايجاد مي‌کند. بنا بر اين ميزان دسترسي افراد به سرمايه‌هاي فرهنگي موجب احراز نوع خاصي از سبک زندگي توسط آنها مي‌شود آنچنان که سبک زندگي افراد مجموعه تفکرات، تفاسير و ادراکات آنها را تشكيل مي‌دهند و آن بر بروز هيچانات خاص (شادي، غم و ...) مؤثر واقع مي‌شود.

علاوه بر سرمایه فرهنگی برخی ابعاد دیگر فرهنگ نیز همانند مذهب (دینداری)، سبکهای فراغتی فرهنگی (انجام فعالیت فرهنگی - هنری و علمی - فرهنگی و ... در حین اوقات فراغت) نیز در نوشتار حاضر مورد توجه واقع شده‌اند که در ذیل به طور مختصر به آنها پرداخته می‌شود.

۲-۳-۲- دین و شادی

از جمله منابع مهمی که در قالب رویکردهای فرهنگی به آن توجه می‌شود و می‌تواند عامل مؤثری در بروز و ظهور شادی انسانها تلقی شود، دین (مذهب) و به تبع آن ایمان دینی و مذهبی و یا به عبارت دیگر دینداری است. دین عبارت است از احساس اعتقاد به قوای لاهوتی و ماواری طبیعی و رعایت یک سلسله قواعد اخلاقی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی جهت کسب تقرب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح (گنجی، ۱۳۸۳: ۵۳) و دینداری را می‌توان میزان علاقه و احترام پیروان یک دین به آن تعریف کرد (سراج‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۰۵).

دین و مذهب به واسطه کارکردهای متعددی که دارند می‌توانند بر شادی افراد مؤثر واقع شوند؛ مثلاً مذهبی بودن می‌تواند به عنوان مانعی در مقابل فشار روانی عمل کند و آثار زیان‌بار آن را برطرف نماید که این موضوع در نهایت به ظهور احساسات و هیجانات مثبت منجر می‌شود. الیسون (۱۹۹۱) با اتکاء به داده‌های پژوهش خود در ایالات متحده آمریکا این نتیجه را اعلام کرد که ارتباطی مستقیم و قابل توجه بین مذهبی خاص و شادی افراد وجود دارد. وی معتقد است افراد با گرایش و ایمان مذهبی قوی و سطح بالا، رضایت بیشتری از زندگی دارند و نسبت به افرادی که پایه‌های ایمان و اعتقادشان ضعیف و لرزان است، شادترند. برواح نیز این نتیجه را تأیید کرده و معتقد است در مطالعه‌ای که در ایرلند شمالی انجام شده هرچه بر دینداری افراد افزوده می‌شود میزان شادی آنان نیز بالاتر می‌رود (برواح، ۲۰۰۶: ۴۴۲-۴۴۳). همان گونه که در پیشینه پژوهش نیز گفته شد، ارتباط مثبت و مستقیم مذهب و شادی مقوله‌ای است که فرانسویس و همکاران نیز براساس انجام پژوهشهای متعدد به آن اذعان داشته‌اند و پیمایشهایی که در کشورهای مختلف انجام شده‌است نشان می‌دهد افرادی که از نظر مذهبی فعالند سطوح بالاتری از شادی را گزارش کرده‌اند (عابدی، ۱۳۸۱: ۹۴). تحقیقات دیگری رابطه بین مذهب و مقابله با بحران در زندگی را ثابت کرده‌اند. زنان بیوه‌ای که از لحاظ مذهبی در سطحی پایین‌تر قرار داشتند در مقایسه با زنان مذهبی، لذت کمتری از زندگی خود گزارش داده‌اند. در میان مادرانی که کودک معلول داشتند، مادرانی که ایمان مذهبی داشتند در مقابل افسردگی کمتر

آسیب‌پذیر بودند. همچنین افرادی که ایمان قوی داشتند شادی بیشتری را بعد از طلاق، بیکاری، بیماری و یا داغ‌دیدگی گزارش کرده‌اند (تقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۴).

پولنر (۱۹۸۹) پس از انجام تحقیقات متعدد دریافت که گزارش نزدیکی با خداوند (با کنترل میزان حضور در کلیسا) همبستگی‌ای معادل ۱۶ درصد باشدی و رضایت از زندگی دارد. الیسون و همکاران (۱۹۸۹) نیز دریافتند که شدت عبادت (دعاهای مکرر و احساس نزدیکی با خداوند) قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی است. همچنین آنها معتقدند که باورهای مذهبی مهم‌ترین منبع شادی هستند و حضور در کلیسا و هم رابطه با خداوند از طریق تأثیر باورها، نفوذ خود را ظاهر می‌سازند. دال^۱ و شوکان^۲ نشان دادند که باورها ممکن است از طریق تأثیر بر ادراک کنترل، خودغنی‌سازی و خوش‌بینی بر شادی اثر بگذارند و همان‌گونه که تایلور و براون (۱۹۸۸) ابراز می‌کنند باورهای مذهبی می‌توانند به وقایع اطراف معنا بدهند و در نهایت آرگایل نیز چنین نتیجه می‌گیرد که به‌طور کلی مذهب تأثیر مثبت متوسطی بر شادی دارد اما این تأثیر برای سالخوردگان و اعضای کلیساها بیشتر است (آرگایل، ۱۳۸۳: ۲۶۰-۲۶۲).

از جمله نکات مهمی که در تحلیل ارتباط مذهب و شادی می‌توان به آن اشاره کرد، نقش مذهب در ایجاد و تثبیت سرمایه اجتماعی است. فوکویاما در بحث منابع سرمایه اجتماعی، یکی از آن منابع را مذهب (دین) قلمداد می‌کند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۹۳) و همان‌گونه که در بحث سرمایه اجتماعی در همین فصل اشاره شد، به لحاظ نظری مؤلفه‌هایی که تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی در یک محیط‌اند، می‌توانند عامل مؤثری بر شادی تلقی شوند.

افراد برحسب دین و مذهبی که دارند ممکن است منشأ مشارکت باشند؛ مانند حضور و فعالیت در امور مساجد، تکایا، کلیساها و اماکن مذهبی و زیارتی (الوانی و نقوی، ۱۳۸۰: ۱۳) و حتی به گفته وبر مذهب می‌تواند شبکه اعتمادی در بین افراد ایجاد کند که برای روابط تجاری و مبادله اقتصادی نیز ضروری باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۵۳). توجه به نکات فوق چنین می‌نمایاند که رابطه بین نهادهای دینی و شبکه‌های ارتباطی افراد توجه اندیشمندان زیادی را به خود جلب کرده است و پیامهایی که آن نهادها به افراد جامعه ارسال می‌دارند و نظامهایی که فراهم می‌کنند و شبکه‌های اجتماعی که ایجاد می‌نمایند، همگی می‌توانند به عنوان منشأ و منبعی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی و سپس بروز احساس شادی عمل کنند.

در این راستا آنچه‌ان که مایرز بیان می‌دارد، دین می‌تواند به گونه‌ای محسوس به بهبود کیفیت روابط خانوادگی کمک کرده و به عنوان عاملی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی گام بردارد (ملاحسنی،

1. Dull
2. Shokan

(۱۳۸۱: ۱۲). ایوانز نیز بر نقش فعالیتها و مناسک دینی در بهبود کنشهای متقابل افراد در پیوند و اعتماد آنها به یکدیگر تأکید می‌کند و معتقد است که رفتار دینی با سایر مؤمنان، دوستان و اعضای خانواده می‌تواند گامی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی تلقی شود (ایوانز و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۶۲-۱۶۵). همچنین کادلند^۱ هم از این امر اغماض نکرده که دین از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی، ارتباط با سایر هموعان، وظیفه‌شناسی، احترام نسبت به دیگران، صداقت و اعمال هنجارهای همبستگی، می‌تواند مبنای سرمایه اجتماعی قلمداد گردد (کادلند، ۲۰۰۰: ۳۶۱) و همان گونه که در ذیل به طور اجمال اشاره خواهد شد، خواهیم دید که مذهب علاوه بر تأثیر مستقیم بر شادی به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع سرمایه اجتماعی، از این طریق نیز می‌تواند منبع شادی باشد. در این خصوص باید اشاره کرد که نهادهای مذهبی می‌توانند حداقل با توسل به سه مجموعه از سازوکارها در ایجاد سرمایه اجتماعی و شادی انسانها مؤثر واقع شوند:

- نهادهای مذهبی از مکانیسمهایی استفاده می‌کنند که از آن طریق به حمایت رسمی از افراد و خانواده‌ها می‌پردازند. کلیساها و دیگر سازمانهای مذهبی غالباً فعالیت‌های خاصی در جهت تقویت تعامل و رابطه مثبت میان اعضای جامعه سازماندهی می‌کنند. از یکسو آنها از طریق حضور در مراکز مذهبی اوقاتی را با هم می‌گذرانند و از سوی دیگر با ایجاد اردوگاههای خانوادگی پیوند بین افراد را تقویت می‌کنند. هرچه افراد از طریق حضور در مراکز عبادی بیشتر در کنش متقابل با همدیگر قرار بگیرند رابطه‌شان با همدیگر مثبت‌تر و گرم‌تر خواهد گردید (پیس و آکسن، ۱۹۹۸: ۸۱۳).

هانوی^۲ (۱۹۸۲) معتقد است ۶۱ درصد از کسانی که در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند احساس آرامش و شادی می‌کنند. همچنین هالمن^۳ و همکاران (۱۹۸۷) پس از انجام تحقیقات در این زمینه به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های مذهبی از جمله حضور در کلیسا بر شادی افراد می‌افزاید. آنان در تشریح این امر به حمایت‌های اجتماعی که حاصل از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و دسته جمعی است، اشاره می‌کنند (جعفری و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۳).

در فراتحلیل ویتتر^۴ و همکاران (۱۹۸۵) حضور در کلیسا قوی‌ترین رابطه را با شادی و سلامتی دارد و در اوهاوی آمریکا، پولوما و پندلتون^۵ (۱۹۹۱) دریافتند که حضور در کلیسا بیشتر از دیگر متغیرهای مذهبی نظیر دعا و باور با رضایت از زندگی، شادی و سلامتی رابطه دارند. در بیان علت این رابطه

1. Cadland
2. Haug
3. Halman
4. Witter
5. Poloma & Pendelton

الیسون و جرج^۱ (۱۹۹۴) همبستگی قوی بین حضور در کلیسا و تعداد رابطه‌های خارج از خانواده، فراوانی تماسهای اجتماعی و شاخص دریافت حمایتهای اجتماعی را گزارش دادند و ترنر (۱۹۶۹) تأثیر مراسم مشترک بر شادی را به واسطه عاملی به نام «مرام مشترک اجتماعی» فرض می‌کند و معتقد است این حالتی ایدئال است که موجب بروز خلسه‌آمیز عشق، هماهنگی، برابری و وحدت اجتماعی در میان کسانی است که در مراسم شرکت می‌کنند (آرگایل، ۱۳۸۳: ۲۶۰-۲۵۸). بنابراین مراسم مذهبی ناشی از باورها و تجارب مشترک و خدمات کلیسا و دیگر فعالیتهای توسط نهادهای موجود مذهبی به دلیل اعمال حمایتهای اجتماعی و فرهنگی می‌توانند به بروز و ظهور هیجانات مثبت و قوی منجر شوند که ممکن است در بسیاری موارد به صورت شادی انعکاس یابند. برخی از این هیجانات از نظر آرگایل و هیلز (۲۰۰۰) عبارتند از رابطه با خدا، آشتی بودن با خدا، احساس دریافت کمک و حمایت، احساس تعالی، احساس محبت، تجدید قوا، کسب راهنمایی، وجد، احساس مثبت نسبت به زندگی، خونسردی، آرامش ذهنی، لذت از همراهی با دیگران، اتحاد با افراد دیگر، فرصت کمک به دیگری، شرکت در عملکرد مشترک، لذت بردن از اعمال و ... (همان: ۲۷۱).

- مجموعه عوامل فوق باعث می‌شود تا مذهب نقش عمده‌ای در ایجاد فروبستگی^۲ در روابط اجتماعی از طریق متصل کردن دوستان و اعضای خانواده در یک گروه اجتماعی همانند، ایفا نماید (پیس و آکسن، ۱۹۹۸: ۸۱۹).

کالدور^۳ (۱۹۹۴) معتقد است افراد مذهبی نزدیک‌ترین دوستان خود را از میان افراد مذهبی انتخاب می‌کنند و علاوه بر داشتن احساس نزدیکی به خدا، دید مثبت به مردم دارند و همه این عوامل بر شادی افراد می‌افزاید (جعفری و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۳). به دلیل ایجاد روابط اجتماعی اعضای خانواده‌هایی که در نهادهای مذهبی همانند شرکت می‌کنند احتمالاً یک سری روابط اجتماعی با سایر اعضای آن نهاد مذهبی پیدا می‌کنند. کلمن در این زمینه عنوان می‌کند که دین فروبستگی شبکه‌های اجتماعی روابط والدین و فرزندان را تقویت می‌کند به طوری که روابط اجتماعی را افزایش داده و روابط خویشاوندی مثبت‌تری را نیز بهبود می‌بخشد. این مقوله از این جهت حائز اهمیت بیشتر است که مذهب و نهادهای مذهبی این ایده را تبلیغ می‌کنند که روابط مثبت و حسنه در میان اعضای خانواده و افراد جامعه امری قابل تحسین و ستودنی است. عقاید اسلامی، مسیحی و سایر ادیان همواره اعضای خود را نسبت به اجرای فرضیه فوق تشویق کرده‌اند و آموزشهای مذهبی بر پایه مواعظی پایه‌ریزی

1. Ellison & George
2. closure
3. Kaldor

گردیده‌اند که همواره ایجاد پیوند و تعامل سالم، گرم و قابل اطمینان بین افراد جامعه را توصیه و بر آن تأکید می‌کنند (پیس و آکسن، ۱۹۹۸: ۸۲۱).

- دو دسته مکانیسم فوق (حضور در مراکز مذهبی و نقش مذهب در فروبستگی در روابط اجتماعی) به نظر می‌رسد با حضور در مراکز مذهبی تقویت می‌شود، در حقیقت، حضور، افراد را در معرض فعالیتهای اجتماعی قرار داده و آنها را وارد یک سری روابط اجتماعی می‌کند. علاوه بر حضور، فرآیند دیگری نیز در این زمینه مشاهده می‌گردد که به نظر می‌رسد اهمیت بیشتری از حضور جهت تقویت روابط افراد و بروز هیجان‌ات مثبت ناشی از آن ایفا می‌کند و آن «اهمیت» شخصی افراد به مذهب و عناصر مذهبی است که در نزد برخی اندیشمندان به «هویت - نقش» تعبیر می‌شود.

براساس نظریه ویمبرلی^۱ هرچه نقش مذهبی بودن شخص در سلسله مراتب هویت - نقش او بالاتر باشد نقش مذهبی نفوذ بیشتری بر سایر نقشهای وی دارد. برای آنهایی که مذهب بخش عمده‌ای از هویت‌شان را تشکیل می‌دهد، عناصر مذهبی می‌توانند به عنوان یک نظام معنی‌دار در زندگی روزانه آنها نقش بازی کنند و پیامهایی که از سوی آن عناصر صادر می‌گردد به عنوان راهنمایی در جهت روابط اجتماعی افراد قلمداد می‌گردد؛ به عنوان مثال مورگان^۲ دریافت که میزان بالای اهمیت شخصی مذهب، کنش متقابل دوستانه و توأم با حس تعاون و همکاری در افراد ایجاد می‌کند و کیفیت روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان: ۸۱۰ - ۸۱۸). همچنین از پی‌آمدهای دیگر اهمیت به مذهب، ظهور ایمان مذهبی است که از عوامل مؤثر در ایجاد شادی در افراد قلمداد شده است. «از آنجا که فرد با ایمان دارای ارتباطات و اعتقادات دینی و معنوی است، کمتر احساس رهاشدگی، پوچی و تنهایی می‌کند» (جعفری و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲) و این امر زمینه‌های اعمال و رفتارهای مثبت از جمله احساس پذیرفته شدن در جمع، هدفمندی و حمایت‌های اجتماعی را تقویت می‌کند.

۲-۳-۳ فعالیتهای اوقات فراغت

فعالیتهای اوقات فراغت نیز می‌توانند منبع مناسبی برای ایجاد شادی باشند و شادی‌آفرینی این فعالیتهای با استفاده از تئوری انتخابگر بودن انسان^۳ و تئوری انگیزش اجتماعی^۴ قابل تبیین است. براساس تئوری انتخابگر بودن انسان، فعالیتهای اوقات فراغت فعالیتهایی هستند که فرد با توجه به علاقه و با آزادی عمل در مورد آنها تصمیم می‌گیرد. این گونه فعالیتهای حتی زمانی که فرد را از نظر جسمی خسته می‌کند نیز موجب شادی او می‌شوند؛ در این رابطه مثلاً می‌توان به ورزش بوکس و دوی ماراتن اشاره

1. Wimberley
2. Morgan
3. theory of selection of human being
4. theory of social motivation

کرد. همچنین براساس تئوری انگیزش اجتماعی، فعالیتهای اوقات فراغت با وجود تنوع و تفاوتی که با هم دارند به نحوی نیازهای اجتماعی را برآورده می‌سازند؛ برای نمونه شرکت در مسابقات ورزشی حمایت اعضای تیم و طرفداران آن را به دنبال دارد و شرکت در کنسرت‌های موسیقی حمایت علاقه‌مندان به آن را موجب می‌شود. بندورا^۱ (۱۹۷۷) علاوه بر حمایت اجتماعی، شادی‌بخش بودن فعالیتهای اوقات فراغت را این گونه تفسیر می‌کند که وقتی افراد به این گونه فعالیتهای می‌پردازند در حال انجام کاری هستند که می‌توانند آن را به خوبی انجام دهند و این امر موجب شادی بیشتر آنها می‌گردد. وینهوون و همکاران (۱۹۹۴) پس از بررسی و مرور تحقیقات انجام‌شده در زمینه فعالیتهای اوقات فراغت، همبستگی بین این فعالیتهای و شادی را ۴۰ درصد برآورد کردند اما پس از کنترل اثرات متغیرهای دموگرافیک از قبیل استخدام و طبقه اجتماعی، این میزان تا ۲۰ درصد نزول پیدا کرد. البته در خصوص برخی اشکال اوقات فراغت از قبیل ورزش، اثرات قوی‌تری به دست آمده است؛ مثلاً انجام ورزشهای هوازی به مدت ۸ تا ۱۰ دقیقه و به میزان ۲ تا ۴ بار در هفته افزایش شادی و کاهش افسردگی و اضطراب بالینی را دربر دارد (مرادی، ۱۳۸۳: ۷۳). بنابراین اوقات فراغت برای تلطیف عواطف و تخلیه هیجانات کاربردی تأثیر دارد و انتخاب الگوی مناسب در گذران اوقات فراغت این امکان را می‌دهد که فرد متعادل و متوازن بوده و بتواند هیجانات خود را تنظیم کند و بدون آنکه از نظر هیجانی خسته شود، با موقعیتهای گوناگون سروکار داشته باشد. حس‌رهایی از خشم و تنش را در فرد ایجاد نماید و او را برای گسترش افق فکری خود توانمند سازد تا بتواند رویدادها را با دیدی متفاوت بنگرد (جعفری، ۱۳۸۵: ۴۳). بنابر مجموعه مباحث نظری فوق می‌توان چنین فرض نمود که:

- بین سرمایه فرهنگی و احساس شادی سرپرستان خانوار رابطه وجود دارد.
- بین دارا بودن انواع مهارتهای فرهنگی و شادی سرپرستان خانوار رابطه وجود دارد.
- بین دارا بودن انواع مدارک رسمی فرهنگی و شادی سرپرستان خانوار رابطه وجود دارد.
- بین دارا بودن انواع وسائل فرهنگی و شادی سرپرستان خانوار رابطه وجود دارد.
- هرچه میزان دینداری سرپرستان خانوار افزایش یابد، میزان شادی آنها نیز افزایش می‌یابد.
- شادی سرپرستان خانوار براساس گونه‌بندی اوقات فراغت آنها (علمی - فرهنگی، هنری - ورزشی، خانوادگی و تفریحی - سرگرمی) متفاوت است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی^۱ است. از نظر هدف، یک بررسی کاربردی^۲، از نظر وسعت پهنانگر^۳ و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی^۴ است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان است که در سال ۱۳۸۵ تعداد آنها ۴۴۱۷۸۲ خانوار اعلام شده است. تعداد نمونه براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران با دقت برآورد ۰۵٪ و حداکثر واریانس ۰۲۵٪ pq و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۸۴ سرپرست خانوار تعیین شده که به دلیل توزیع بیشتر پرسشنامه بین سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان ۳۹۴ پرسشنامه تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر این اساس واحد تحلیل پژوهش حاضر، سرپرست خانوار و قلمرو زمانی تحقیق، شش ماهه دوم سال ۱۳۸۶ است. همچنین میزان روایی^۵ سازه‌های متعدد پژوهش براساس آلفای کرونباخ در جدول شماره ۱ آمده است که به نظر می‌رسد همه سازه‌های مورد مطالعه در حد مطلوبی روایی دارند.

جدول ۲ ضریب آلفای کرونباخ

| میزان آلفا | تعداد گویه | سازه‌ها و ابعاد |
|------------|------------|------------------------------|
| ٪۸۸ | ۱۷ | شادمانی |
| ٪۸۶ | ۱۸ | سرمایه فرهنگی (کل ابعاد) |
| ٪۷۹ | ۶ | ۱. سرمایه فرهنگی عینیت یافته |
| ٪۶۴ | ۶ | ۲. سرمایه فرهنگی تجسم یافته |
| ٪۷۲ | ۶ | ۳. سرمایه فرهنگی نهادی |
| ٪۸۴ | ۷ | دینداری |
| ٪۸۷ | ۱۸ | فعالیت‌های اوقات فراغت |

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو قسمت ارائه می‌گردد. در قسمت اول به توصیف پدیده شادی، سرمایه فرهنگی، تحلیل عامل فعالیت‌های اوقات فراغت به منظور تعیین عامل‌های فرهنگی و دینداری اشاره شده و در قسمت دوم به رابطه هریک از عوامل فرهنگی یادشده با احساس شادمانی نیز پرداخته می‌شود.

1. survey
2. applied
3. extensive
4. cross sectional
5. reliability

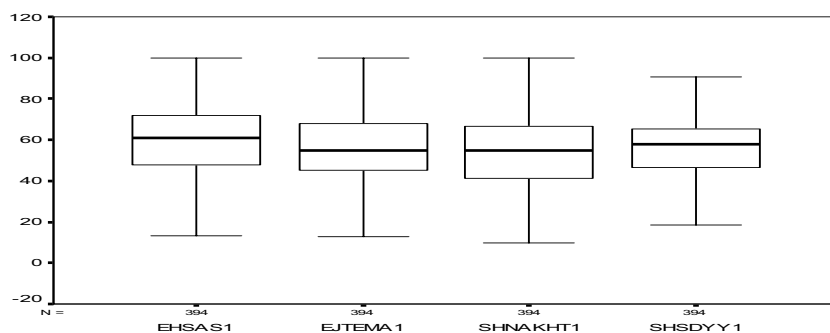
۱. یافته‌های توصیفی

۱-۱- شادی

جدول ۳ توصیف شادی و ابعاد آن

| شادی و ابعاد آن | حداقل | حداکثر | میانگین | انحراف معیار |
|-----------------|-------|--------|---------|--------------|
| شادی | ۷/۹۷ | ۹۰/۶۱ | ۵۶/۲۳ | ۱۴/۱۰ |
| بُعد احساسی | ۰ | ۱۰۰ | ۵۹/۳۷ | ۱۷/۸۶ |
| بُعد شناختی | ۰ | ۱۰۰ | ۵۳/۸۸ | ۱۶/۷۵ |
| بُعد اجتماعی | ۰ | ۱۰۰ | ۵۵/۴۲ | ۱۷ |

براساس جدول شماره ۳ و نمودار شماره ۱ میانگین شادی در بین سرپرستان خانوار شهر اصفهان ۵۶/۲۳ است و میانگین ابعاد آن عبارتند از بُعد احساسی ۵۹/۳۷، بُعد اجتماعی ۵۵/۴۲ و بُعد شناختی ۵۳/۸۸. دقت در ارقام فوق نشان می‌دهد که بُعد شناختی (ارزیابی و قضاوتی) دارای مقدار کمتری از دو بُعد دیگر است.

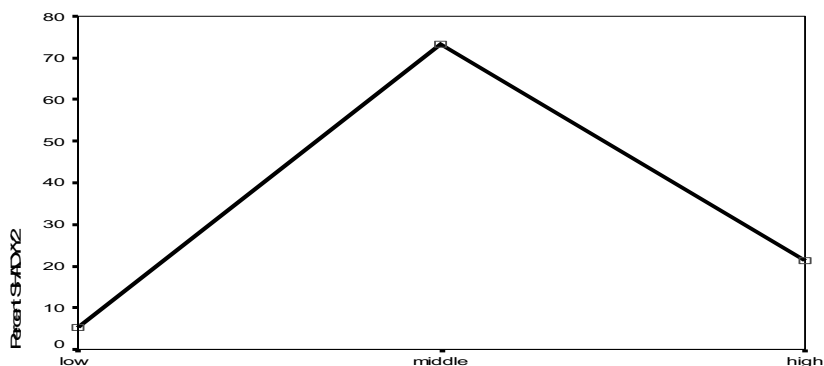


نمودار ۱ توصیف شادی و ابعاد آن

جدول ۴ تقسیم‌بندی شادی

| تقسیم‌بندی شادی | تعداد | درصد |
|-----------------|-------|------|
| پایین | ۲۱ | ۵/۳ |
| متوسط | ۲۸۹ | ۷۳/۴ |
| بالا | ۸۴ | ۲۱/۳ |
| جمع | ۳۹۴ | ۱۰۰ |

براساس جدول شماره ۴ شادی در حد متوسط رقم بالاتری نسبت به شادی بالا و پایین دارد. این مقوله در نمودار شماره ۲ نیز به خوبی نشان داده شده است.



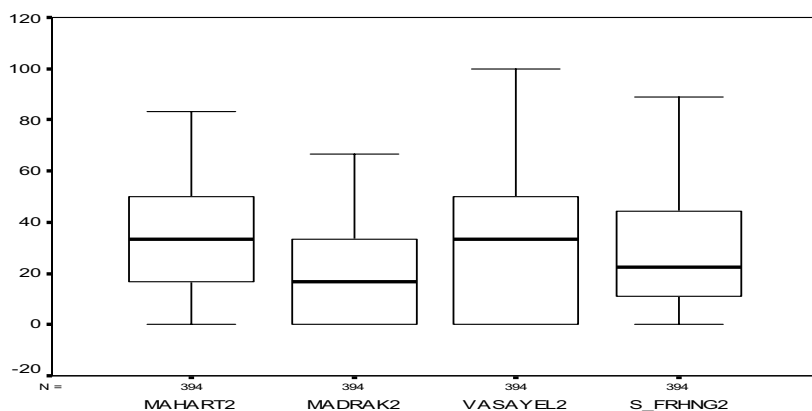
نمودار ۲ تقسیم‌بندی شادی

۱-۲ سرمایه فرهنگی

براساس جدول شماره ۵ و نمودار شماره ۳، میانگین سرمایه فرهنگی در بین سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان ۲۷/۵۷ است که به نظر می‌رسد در حد پایینی قرار دارد. از بین ابعاد سرمایه فرهنگی کسب مهارت‌های فرهنگی از جمله مهارت در هنری خاص همانند موسیقی، نقاشی و ...، مهارت در رشته علمی، مهارت در ورزشی خاص، مهارت در یک زبان خارجی، مهارت در شغل و ... دارای میانگین ۳۱/۸۹، کسب مدارک فرهنگی از جمله کسب مدرک در هنر، ورزش، حرفه، کامپیوتر و ... دارای میانگین ۱۹/۱۶ و دارا بودن برخی وسایل فرهنگی از جمله کامپیوتر، اینترنت، وسایل هنری، وسایل ورزشی و ... دارای میانگین ۳۱/۶۸ است.

جدول ۵ توصیف سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

| انحراف معیار | میانگین | حداکثر | حداقل | سرمایه فرهنگی و ابعاد سرمایه فرهنگی |
|--------------|---------|--------|-------|-------------------------------------|
| ۲۰/۵۲ | ۲۷/۵۷ | ۱۰۰ | ۰ | سرمایه فرهنگی |
| ۲۴/۰۹ | ۳۱/۸۹ | ۱۰۰ | ۰ | کسب مهارت‌های فرهنگی |
| ۲۲/۶۷ | ۱۹/۱۶ | ۱۰۰ | ۰ | کسب مدارک فرهنگی |
| ۲۷/۸۳ | ۳۱/۶۸ | ۱۰۰ | ۰ | دارا بودن وسایل فرهنگی |



نمودار ۳ توصیف سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

همچنین در تقسیم‌بندی سرمایه فرهنگی براساس جدول شماره ۶ می‌توان گفت که در بین سرپرستان خانوار شهر اصفهان سرمایه فرهنگی پایین ۶۲/۲ درصد، سرمایه فرهنگی متوسط ۳۱/۷ درصد و سرمایه فرهنگی بالا ۶/۱ درصد است.

جدول ۶ تقسیم‌بندی سرمایه فرهنگی

| درصد | تعداد | تقسیم‌بندی سرمایه فرهنگی |
|------|-------|--------------------------|
| ۶۲/۲ | ۲۴۵ | پایین |
| ۳۱/۷ | ۱۲۵ | متوسط |
| ۶/۱ | ۲۴ | بالا |
| ۱۰۰ | ۳۹۴ | جمع |

۳-۱-۳ فعالیت‌های اوقات فراغت

جدول ۷ توزیع فراوانی گویه‌های فعالیت اوقات فراغت سرپرستان

| میانگین | جمع | خیلی زیاد | زیاد | تا حدی | کم | اصلاً | اوقات فراغت | |
|---------|-----|-----------|------|--------|------|-------|--|-------|
| | | | | | | | تعداد | درصد |
| ۱/۵۱ | ۳۷۴ | ۱ | ۱۱ | ۴۲ | ۷۱ | ۲۴۹ | شرکت در کلاسهای مختلف (زبان، کامپیوتر، کلاسهای هنری و ...) | تعداد |
| | ۱۰۰ | ۰/۳ | ۲/۹ | ۱۱/۲ | ۱۹ | ۶۶/۶ | | درصد |
| ۱/۸۰ | ۳۷۷ | ۱ | ۱۹ | ۶۱ | ۱۲۲ | ۱۷۴ | بازدید از موزه و نمایشگاههای مورد علاقه | تعداد |
| | ۱۰۰ | ۰/۳ | ۵ | ۱۶/۲ | ۳۲/۴ | ۴۶/۲ | | درصد |

| | | | | | | | |
|------|-------|------|------|------|------|------|-----|
| ۱/۶۹ | تعداد | ۲۲۷ | ۷۳ | ۴۴ | ۲۴ | ۷ | ۳۷۵ |
| | درصد | ۶۰/۵ | ۱۹/۵ | ۱۱/۷ | ۶/۴ | ۱/۹ | ۱۰۰ |
| ۱/۵۷ | تعداد | ۲۴۴ | ۷۱ | ۳۰ | ۱۷ | ۸ | ۳۷۰ |
| | درصد | ۶۵/۹ | ۱۹/۲ | ۸/۱ | ۴/۶ | ۲/۲ | ۱۰۰ |
| ۱/۴۷ | تعداد | ۲۵۶ | ۷۲ | ۲۹ | ۱۲ | ۳ | ۳۷۲ |
| | درصد | ۶۸/۸ | ۱۹/۴ | ۷/۸ | ۳/۲ | ۰/۸ | ۱۰۰ |
| ۱/۹۷ | تعداد | ۱۶۰ | ۱۰۶ | ۷۳ | ۲۹ | ۶ | ۳۷۴ |
| | درصد | ۴۲/۸ | ۲۸/۳ | ۱۹/۵ | ۷/۸ | ۱/۶ | ۱۰۰ |
| ۱/۹۸ | تعداد | ۱۸۳ | ۶۶ | ۸۳ | ۳۳ | ۹ | ۳۷۴ |
| | درصد | ۴۸/۹ | ۱۷/۶ | ۲۲/۲ | ۸/۸ | ۲/۴ | ۱۰۰ |
| ۲/۵۸ | تعداد | ۵۹ | ۱۱۸ | ۱۳۸ | ۴۷ | ۱۶ | ۳۷۸ |
| | درصد | ۱۵/۶ | ۳۱/۲ | ۳۶/۵ | ۱۲/۴ | ۴/۲ | ۱۰۰ |
| ۲/۰۶ | تعداد | ۱۳۹ | ۱۱۶ | ۸۷ | ۲۴ | ۹ | ۳۷۵ |
| | درصد | ۳۷/۱ | ۳۰/۹ | ۲۳/۲ | ۶/۴ | ۲/۴ | ۱۰۰ |
| ۱/۷۱ | تعداد | ۲۲۱ | ۷۵ | ۴۱ | ۱۷ | ۱۴ | ۳۶۸ |
| | درصد | ۶۰/۱ | ۲۰/۴ | ۱۱/۱ | ۴/۶ | ۳/۸ | ۱۰۰ |
| ۲/۵۸ | تعداد | ۹۶ | ۸۹ | ۱۰۱ | ۵۸ | ۳۳ | ۳۷۷ |
| | درصد | ۲۵/۵ | ۳۶/۶ | ۲۶/۸ | ۱۵/۴ | ۸/۸ | ۱۰۰ |
| ۱/۴۱ | تعداد | ۲۵۲ | ۸۵ | ۲۲ | ۴ | ۳ | ۳۶۶ |
| | درصد | ۶۸/۹ | ۲۳/۲ | ۶ | ۱/۱ | ۰/۸ | ۱۰۰ |
| ۲/۸۶ | تعداد | ۴۹ | ۸۹ | ۱۲۳۵ | ۶۶ | ۳۵ | ۳۷۴ |
| | درصد | ۱۳/۱ | ۲۳/۸ | ۳۶/۱ | ۱۷/۶ | ۹/۴ | ۱۰۰ |
| ۱/۴۳ | تعداد | ۲۵۹ | ۶۶ | ۲۹ | ۹ | ۲ | ۳۶۵ |
| | درصد | ۷۱ | ۱۸/۱ | ۷/۹ | ۲/۵ | ۰/۵ | ۱۰۰ |
| ۱/۶۲ | تعداد | ۲۱۲ | ۹۳ | ۵۰ | ۱۰ | ۱ | ۳۶۶ |
| | درصد | ۵۷/۹ | ۲۵/۴ | ۱۳/۷ | ۲/۷ | ۰/۳ | ۱۰۰ |
| ۳/۲۲ | تعداد | ۱۷ | ۵۷ | ۱۵۶ | ۱۱۶ | ۳۰ | ۳۷۶ |
| | درصد | ۴/۵ | ۱۵/۲ | ۴۱/۵ | ۳۰/۹ | ۸ | ۱۰۰ |
| ۳/۶۷ | تعداد | ۶ | ۲۹ | ۱۲۱ | ۱۴۹ | ۷۵ | ۳۸۰ |
| | درصد | ۱/۶ | ۷/۶ | ۳۱/۸ | ۳۹/۲ | ۱۹/۷ | ۱۰۰ |
| ۲/۵۴ | تعداد | ۸۵ | ۱۰۳ | ۱۰۸ | ۵۹ | ۲۲ | ۳۷۷ |
| | درصد | ۲۲/۵ | ۲۷/۳ | ۲۸/۶ | ۱۵/۶ | ۵/۸ | ۱۰۰ |

به منظور تفکیک و دسته‌بندی سؤالات مربوط به فعالیتهای اوقات فراغت و تعیین عاملها و بارهای فرهنگی از تکنیک تحلیل عاملی براساس تجزیه به مؤلفه‌های اصلی استفاده شد که طبق اطلاعات مندرج در جدول شماره ۸ مقدار $KMO=0/867$ به دست آمده است و چون این مقدار از $0/5$ بزرگ‌تر است بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تعداد نمونه‌ها برای اجرای تحلیل عاملی بسیار مناسب است. همچنین براساس همان جدول مقدار کرویت بارلت نیز برابر $1919/3$ با سطح معنی‌داری $p=0/000$ به دست آمده است، بنابراین می‌توان اطمینان حاصل کرد که تفکیک عاملها نیز به‌درستی انجام شده و سؤالات مندرج در هر عامل همبستگی ریشه بالایی دارند. از طرف دیگر ۵ عامل اول حدود $57/57$ درصد از واریانس کل عامل‌بندی را تبیین می‌کند و به نظر می‌رسد تقلیل سؤالات به ۵ عامل معیار مطلوبی است، زیرا در تحلیل عاملی حداقل لازم است ۵۰ درصد از واریانس تبیین گردد (جدول این قسمت و همچنین جدول مربوط به ضرایب اشتراک هریک از سؤالات به دلیل محدودیت حجم مقاله حذف شده‌اند).

جدول ۸ آزمون کایزماپر و کرویت بارلت برای سؤالیهای فعالیت اوقات فراغت

| | | |
|--|--------------------|----------|
| Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy. | | .867 |
| Bartlett's Test of Sphericity | Approx. Chi-Square | 1919.322 |
| | df | 153 |
| | Sig. | .000 |

جدول ۹ تفکیک عاملها براساس ضرایب بار عاملی با چرخش واریماکس

| عاملها | | | | | سؤالات |
|----------|-------|-----------------|--------|-----------------|---|
| خانوادگی | ورزشی | علمی- فرهنگی | تفنی | فرهنگی- هنری | |
| -0/138 | 0/099 | 0/107 | 0/312 | 0/721 | حضور در کنسرت‌های موسیقی |
| 0/087 | 0/056 | 0/153 | 0/093 | 0/716 | انجام فعالیتهای هنری (نقاشی، نواختن موسیقی و ...) |
| 0/037 | 0/312 | 0/340 | -0/026 | 0/579 | رفتن به فرهنگسرا |
| 0/205 | 0/063 | 0/290 | 0/246 | 0/552 | بازدید از موزه و نمایشگاههای مورد علاقه |

| | | | | | |
|--------|--------|--------|--------|--------|--|
| ۰/۰۰۶- | ۰/۰۵۲ | ۰/۲۶۱ | ۰/۴۳۸ | ۰/۴۴۰ | رفتن به سینما |
| ۰/۰۳۴- | ۰/۱۵۴ | ۰/۰۶۹ | ۰/۷۳۹ | ۰/۱۳۶ | ماشین و موتورسواری تفریحی در سطح شهر |
| ۰/۰۶۷ | ۰/۱۱۴ | ۰/۱۸۶ | ۰/۵۵۸ | ۰/۲۱۸ | شرکت در گردشها و پارتهای مختلف |
| ۰/۲۹۹ | ۰/۱۲۵ | ۰/۲۳۶ | ۰/۵۵۶ | ۰/۱۲۶ | رفتن به مراکز خرید و مجتمعات تجاری |
| ۰/۳۳۲ | ۰/۱۳۶ | ۰/۰۴۳- | ۰/۴۵۱ | ۰/۴۱۴ | گوش دادن به موسیقی (صوتی یا تصویری) |
| ۰/۰۶۴ | ۰/۲۳۴ | ۰/۷۴۸ | ۰/۰۳۶ | ۰/۲۷۹ | مراجعه به کتابخانههای عمومی و دانشگاهی |
| ۰/۰۰۴ | ۰/۰۵۸- | ۰/۷۳۴ | ۰/۳۶۰ | ۰/۰۶۳ | استفاده از اینترنت در منزل یا کافی نتها |
| ۰/۰۲۰ | ۰/۱۱۱ | ۰/۶۸۵ | ۰/۱۶۱ | ۰/۲۵۶ | شرکت در کلاسهای مختلف (زبان، کامپیوتر، هنری و ...) |
| ۰/۱۷۰- | ۰/۷۳۹ | ۰/۲۳۹ | ۰/۱۹۲ | ۰/۱۴۸ | شرکت در باشگاههای ورزشی در رشتههای مورد علاقه |
| ۰/۲۲۴ | ۰/۶۹۶ | ۰/۱۱۱ | ۰/۰۳۰ | ۰/۳۰۲ | انجام تمرینات ورزشی در منزل |
| ۰/۲۴۹ | ۰/۶۱۰ | ۰/۰۶۷- | ۰/۳۹۳ | ۰/۱۰۴- | تماشای رویدادهای ورزشی در تلویزیون یا در باشگاههای ورزشی |
| ۰/۷۸۶ | ۰/۰۴۴ | ۰/۰۰۵ | ۰/۰۰۲- | ۰/۰۰۲ | همصحبت شدن با خانواده (همسر و فرزندان و ...) |
| ۰/۶۲۲ | ۰/۰۰۲- | ۰/۰۲۷- | ۰/۴۵۹ | ۰/۰۰۶ | تماشای برنامههای تلویزیونی (داخلی یا خارجی) |
| ۰/۵۱۴ | ۰/۲۷۷ | ۰/۳۸۳ | ۰/۰۲۶ | ۰/۲۵۴ | مطالعه روزنامه، مجلات مختلف و کتاب (کتابهای غیر تخصصی) |

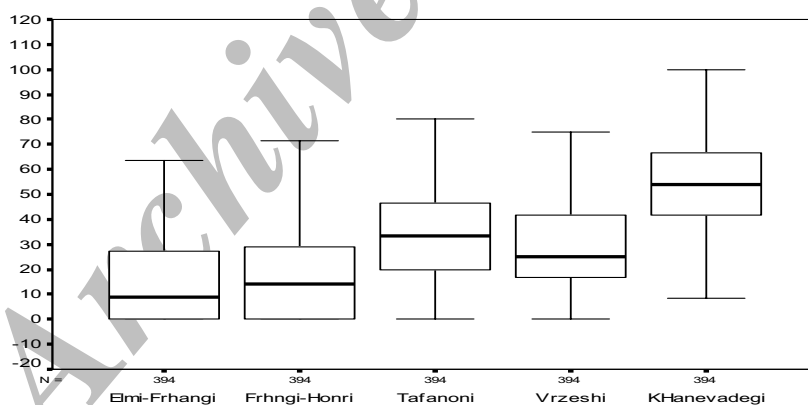
Extraction Method: Principal Component Analysis
 Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization

طبق اطلاعات جدول شماره ۹ و براساس بارهای عاملی چرخش داده شده به روش واریماکس، پنج سؤال به فعالیتهای فرهنگی - هنری، چهار سؤال به فعالیتهای تفریحی، سه سؤال به فعالیتهای علمی - فرهنگی، سه سؤال به فعالیتهای ورزشی و سه سؤال به فعالیتهای خانوادگی مربوط است.

جدول ۱۰ توزیع پراکندگی ابعاد فعالیت در اوقات فراغت پس از انجام تحلیل عاملی

| متغیر | تعداد | میانگین | انحراف استاندارد | ضریب کجی | حداقل | حداکثر | چارک اول | چارک دوم | چارک سوم |
|---------------|-------|---------|------------------|----------|-------|--------|----------|----------|----------|
| فرهنگی - هنری | ۳۹۴ | ۲۰/۴۳ | ۲۰/۷۰ | ۱/۲۳ | ۰ | ۱۰۰ | ۰ | ۱۴/۲۸ | ۲۹/۶۳ |
| تفنی | ۳۹۴ | ۳۶ | ۱۹/۹۶ | ۰/۴۲۹ | ۰ | ۱۰۰ | ۲۰ | ۳۳/۳۳ | ۴۶/۶۶ |
| علمی - فرهنگی | ۳۹۴ | ۱۵/۳۴ | ۱۸/۹۷ | ۱/۳۱ | ۰ | ۱۰۰ | ۰ | ۹/۰۹ | ۲۷/۲۷ |
| ورزشی | ۳۹۴ | ۲۸/۰۱ | ۲۰/۴۳ | ۰/۸۲۰ | ۰ | ۱۰۰ | ۱۶/۶۶ | ۲۵ | ۴۱/۶۶ |
| خانوادگی | ۳۹۴ | ۵۳/۷۸ | ۱۷/۹۱ | -۰/۰۷۲ | ۰ | ۱۰۰ | ۴۱/۶۶ | ۵۳/۷۸ | ۶۶/۶۶ |

براساس اطلاعات جدول شماره ۱۰ فعالیت‌های خانوادگی بیشترین میانگین (۵۳/۷۸) و فعالیت‌های علمی - فرهنگی کمترین میانگین (۱۵/۳۴) را دارند. همچنین فعالیت‌های فرهنگی - هنری در بین سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان ۲۰/۴۳ است. تفاوت میانگین و چارکها در نمودار ۴ نیز آمده است.



نمودار ۴ توزیع پراکندگی ابعاد فعالیت در اوقات فراغت پس از انجام تحلیل عاملی

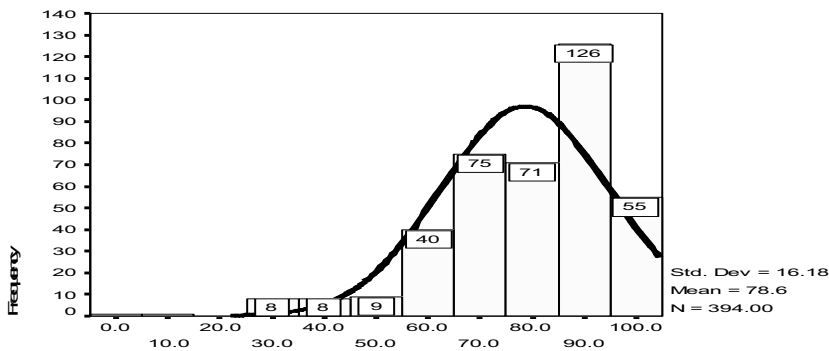
۱-۴ دینداری

میانگین دینداری سرپرستان براساس شاخصهایی چون احساس رابطه صمیمانه با خدا، اعتقاد به دیدن نتایج اعمال در آخرت، توسل و توکل به خدا در حل مشکلات، اعتقاد به پیوج بودن زندگی بدون

اعتقادات دینی، انجام مناسک دینی از روی رضایت، شکل‌گیری نگرش به زندگی براساس اعتقادات دینی در شخص، بخشیدن بخشی از درآمد خود به مستمندان برای جلب رضای خدا و ... و در نظر گرفتن جدول شماره ۱۱ و نمودار ۵، ۷۸/۶۱ است به طوری که نمره دینداری ۲۵ درصد زیر ۲۵/۳۷، ۷۰ درصد بین ۲۵/۳۷ و ۸۱/۴۸ و ۲۵ درصد نیز بالاتر از نمره ۸۸/۸۸ است.

جدول ۱۱ توزیع پراکندگی دینداری

| متغیر | تعداد | میانگین | انحراف استاندارد | حداقل | حداکثر | چارک اول | چارک دوم | چارک سوم |
|---------|-------|---------|------------------|-------|--------|----------|----------|----------|
| دینداری | ۳۹۴ | ۷۸/۶۱ | ۱۶/۱۷ | ۰ | ۱۰۰ | ۲۵/۳۷ | ۵۱/۴۸ | ۷۸/۸۸ |



نمودار ۵ توزیع پراکندگی دینداری

۲. یافته‌های تحلیلی

براساس اطلاعات جدول شماره ۱۲ احساس شادمانی سرپرستان خانوار شهر اصفهان با سرمایه فرهنگی و هرکدام از ابعاد آن همبسته است، به این معنی که هرچه سرمایه فرهنگی سرپرستان بالاتر رود به همان نسبت بر احساس شادی آنان نیز افزوده می‌شود. لازم به توضیح است که میزان همبستگی سرمایه فرهنگی با شادی ۰/۳۳۳ و در بین ابعاد سرمایه فرهنگی بالاترین میزان همبستگی با شادی راه، دارا بودن وسایل فرهنگی (۰/۳۰۵) و سپس کسب مهارت‌های فرهنگی (۰/۲۷۶) و در نهایت کسب مدارک فرهنگی (۰/۲۴۲) به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۱۲ همبستگی شادی با سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

Correlations

| | | شادی | سرمایه فرهنگی | کسب مهارت‌های فرهنگی | کسب مدارک فرهنگی | دارا بودن وسایل فرهنگی |
|------------------------|---------------------|--------|---------------|----------------------|------------------|------------------------|
| شادی | Pearson Correlation | 1 | .333** | .276** | .242** | .305** |
| | Sig. (1-tailed) | . | .000 | .000 | .000 | .000 |
| | N | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 |
| سرمایه فرهنگی | Pearson Correlation | .333** | 1 | .855** | .815** | .820** |
| | Sig. (1-tailed) | .000 | . | .000 | .000 | .000 |
| | N | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 |
| کسب مهارت‌های فرهنگی | Pearson Correlation | .276** | .855** | 1 | .621** | .527** |
| | Sig. (1-tailed) | .000 | .000 | . | .000 | .000 |
| | N | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 |
| کسب مدارک فرهنگی | Pearson Correlation | .242** | .815** | .621** | 1 | .456** |
| | Sig. (1-tailed) | .000 | .000 | .000 | . | .000 |
| | N | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 |
| دارا بودن وسایل فرهنگی | Pearson Correlation | .305** | .820** | .527** | .456** | 1 |
| | Sig. (1-tailed) | .000 | .000 | .000 | .000 | . |
| | N | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 |

** Correlation is significant at the 0.01 level (1-tailed).

جدول ۱۳ همبستگی شادی با ابعاد فعالیت‌های اوقات فراغت

Correlations

| | | شادی | علمی- فرهنگی | فرهنگی- هنری | تکنی-سرگرمی | ورزشی | خانوادگی |
|--------------|---------------------|--------|--------------|--------------|-------------|--------|----------|
| شادی | Pearson Correlation | 1 | .199** | .195** | .289** | .193** | .364** |
| | Sig. (1-tailed) | . | .000 | .000 | .000 | .000 | .000 |
| | N | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 |
| علمی- فرهنگی | Pearson Correlation | .199** | 1 | .559** | .414** | .327** | .273** |
| | Sig. (1-tailed) | .000 | . | .000 | .000 | .000 | .000 |
| | N | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 |
| فرهنگی- هنری | Pearson Correlation | .195** | .559** | 1 | .557** | .406** | .330** |
| | Sig. (1-tailed) | .000 | .000 | . | .000 | .000 | .000 |
| | N | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 |
| تکنی-سرگرمی | Pearson Correlation | .289** | .414** | .557** | 1 | .460** | .442** |
| | Sig. (1-tailed) | .000 | .000 | .000 | . | .000 | .000 |
| | N | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 |
| ورزشی | Pearson Correlation | .193** | .327** | .406** | .460** | 1 | .358** |
| | Sig. (1-tailed) | .000 | .000 | .000 | .000 | . | .000 |
| | N | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 |
| خانوادگی | Pearson Correlation | .364** | .273** | .330** | .442** | .358** | 1 |
| | Sig. (1-tailed) | .000 | .000 | .000 | .000 | .000 | . |
| | N | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 | 394 |

** Correlation is significant at the 0.01 level (1-tailed).

همچنین براساس جدول شماره ۱۳ در بین فعالیت‌های اوقات فراغت، بالاترین میزان همبستگی با شادی (۰/۳۶۴) از آن فعالیت‌های خانوادگی همانند هم‌صحبت شدن با اعضای خانواده، مطالعه روزنامه، مجلات مختلف و کتاب‌های غیر تخصصی و تماشای برنامه‌های تلویزیونی در کنار خانواده است و فعالیت‌های ورزشی دارای کمترین میزان همبستگی (۰/۱۹۳) با احساس شادی‌اند. لازم به توضیح است که میزان همبستگی فعالیت‌های علمی - فرهنگی با شادی ۰/۱۹۹ و میزان همبستگی فعالیت‌های فرهنگی - هنری با شادی ۰/۱۹۵ است.

همان گونه که جدول شماره ۱۴ نیز نشان می‌دهد دینداری هم به عنوان یکی از ابعاد فرهنگی دارای همبستگی (۰/۲۳۷) با احساس شادی سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان است. به این معنی که هرچه بر دینداری سرپرستان خانوارها افزوده می‌شود به همان نسبت شادمانی آنها نیز بالا می‌رود.

جدول ۱۴ همبستگی احساس شادی و دینداری

Correlations

| | | شادی | دینداری |
|---------|---------------------|--------|---------|
| شادی | Pearson Correlation | 1 | .237** |
| | Sig. (1-tailed) | . | .000 |
| | N | 394 | 394 |
| دینداری | Pearson Correlation | .237** | 1 |
| | Sig. (1-tailed) | .000 | . |
| | N | 394 | 394 |

** . Correlation is significant at the 0.01 level (1-tailed).

نتیجه‌گیری

شادی به عنوان یکی از هیجانات اولیه و اساسی انسان و به دلیل شرایط اجتماعی - فرهنگی خاص جوامع نوین و انسانهای معاصر از یکسو و تأثیرات مثبت و خوشایند این هیجان در زندگی اجتماعی از سوی دیگر، مدتی است مورد توجه جدی محافل علمی جهان قرار گرفته است تا جایی که در نظریات بسیاری از اندیشمندان در حوزه کیفیت زندگی آورده شده و حتی در برخی موارد، واژه کیفیت زندگی را معادل با شادمانی در نظر می‌گیرند. به هر حال پدیده شادمانی به دلیل اثرات و پی‌آمدهای متعدد آن در حوزه روابط و کنشهای انسانی و ضرورت توجه به آن در سیاست‌گذارهای اجتماعی - فرهنگی، در مقاله حاضر نیز مورد مطالعه قرار گرفته است.

همان گونه که گذشت، واژه شادمانی به لحاظ مفهومی از مناظر متعدد تعریف و تشریح شده به طوری که از یکسو سخن از شادی مستقیم و بی واسطه می‌رود و ظهور احساسات و عواطف خوشایند هرچند در یک لحظه خاص و به صورت گذرا همانند لذت^۱ و خوشی^۲ شادمانی تصور می‌شود و از سوی دیگر شادی پدیده‌ای پیچیده، عقلانی و منطقی (در مقابل عاطفی) فرض می‌شود که در آن قضاوتها و ارزشیابیهای انسانها از موقعیتهای متعدد مؤثر واقع می‌شود و برآیند مثبت از قضاوتها و ارزشیابیهای

1. joy
2. pleasure

منطقی (که همان رضایت درونی از کلیت زندگی است) شادی نام می‌گیرد و در نهایت تعاریف نوع سومی که به نوعی در صدد تلفیق تعاریف دو دسته قبل برآمده و با رویکردی التقاطی تلاش می‌کند تا عناصر مفید و مثبت هر دو تعریف را در حوزه شادمانی مورد استفاده قرار دهند به‌طوری‌که علاوه بر رضایت درونی از کلیت زندگی براساس قضاوتها و ارزشیابیهای منطقی، بر ظهور عواطف و احساسات مثبت و فقدان عواطف و احساسات منفی و همچنین علایق اجتماعی نیز تأکید می‌کنند.

از طرفی تعدد مناظر در مطالعات نظری شادمانی به رویکردهای عمده‌ای منجر شده که از آن جمله رویکردهای روان‌شناختی (ژنتیکی و شخصیتی)، روان‌شناسی اجتماعی (فرآیندهای شناختی)، فرهنگی (بافتها و قالبهای فرهنگی و به‌طور کلی سرمایه فرهنگی) و اجتماعی (بافت اجتماعی خرد و کلان و یا به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی و احقاق حقوق شهروندی) را می‌توان نام برد که در نوشتار حاضر به تحلیل رهیافتهای فرهنگی پرداخته شده و در قالب آن تلاش شده تا در بخش تجربی به عملیاتی کردن سرمایه فرهنگی، دینداری و فعالیت‌های فرهنگی در حین اوقات فراغت (سبکهای فراغتی) نیز توجه شود. براساس نتایج حاصل از روشهای آماری مورد استفاده، میزان شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان ۵۶/۲۳ است. به‌طوری‌که میانگین بُعد احساسی شادی ۵۹/۳۷، میانگین بُعد شناختی ۵۳/۸۸ و میانگین بُعد اجتماعی آن ۵۵/۴۲ است. بر این اساس می‌توان گفت که شادی افراد مورد مطالعه در حد متوسط است.

میانگین سرمایه فرهنگی ۲۷/۵۷ با انحراف استاندارد ۲۰/۵۲ است و ۶۲/۲ درصد سرپرستان خانوار دارای سرمایه فرهنگی پایین، ۳۱/۱۷ درصد سرمایه فرهنگی متوسط و ۶/۱ درصد دارای سرمایه فرهنگی بالا هستند. میانگین مهارت فرهنگی (سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته) ۳۱/۸۹ با انحراف استاندارد ۲۴/۰۹، میانگین وسایل فرهنگی (سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته) ۳۱/۶۸ با انحراف استاندارد ۲۷/۴۳ و میانگین مدارک فرهنگی (سرمایه فرهنگی نهادی) ۱۹/۱۶ با انحراف استاندارد ۲۲/۶۷ است. براین اساس مهارت فرهنگی دارای بیشترین فراوانی و مدارک فرهنگی دارای کمترین فراوانی است. از سوی دیگر وسایل فرهنگی دارای بیشترین نابرابری و مهارت فرهنگی دارای کمترین نابرابری در بین سرپرستان خانوار است.

ارتباط سرمایه فرهنگی و شادی نیز ارتباطی مستقیم است و این ارتباط در بُعد شناختی و سپس در بُعد احساسی و در نهایت در بُعد اجتماعی شادی قوی‌تر است. در حیطه ابعاد سرمایه فرهنگی بیشترین تأثیر در بُعد وسایل فرهنگی سپس مهارت‌های فرهنگی و در نهایت مدارک فرهنگی است به‌طوری‌که در بُعد مهارتی، مدرکی و وسایل فرهنگی، اثرگذاری بر بُعد شناختی بیش از سایر ابعاد است.

میانگین دینداری در بین سرپرستان خانوار ۷۸/۶۸ با انحراف استاندارد ۱۶/۱۷ است. رابطه دینداری و شادی رابطه مثبت است و این ارتباط ابتدا در بُعد شناختی سپس در بعد اجتماعی و در نهایت در بُعد

احساسی قوی تر است. لازم به توضیح است که این نتیجه با نتایج تحقیقات اندیشمندانی چون برواح، فرانسیس، پولنر، دال و شوکان، تایلور، بروان، آرگایل و هیلز، هاوی، هالمن، ویتزر، پولوما، پندلتون، الیسون و جرج، ترنر و کالدور و ... هم‌خوانی و مشابهت دارد.

در خصوص اوقات فراغت کمترین میزان فعالیت اوقات فراغت سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، رفتن به فرهنگسرا، حضور در کنسرت‌های موسیقی، مراجعه به کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی، شرکت در کلاس‌های مختلف زبان، کامپیوتر، هنری و ... و انجام فعالیت‌های هنری است و بیشترین میزان فعالیتها مربوط به هم‌صحبت شدن با اعضای خانواده، تماشای برنامه‌های تلویزیونی، گوش دادن به موسیقی، تماشای رویدادهای ورزشی در تلویزیون، رفتن به مراکز خرید و مجتمعات تجاری است. همان گونه که قبلاً مشخص شد، انواع فعالیت‌های اوقات فراغت براساس تکنیک تحلیل عاملی به چند دسته تقسیم شد. بر این اساس میانگین اوقات فراغت خانوادگی $53/78$ با انحراف استاندارد $17/91$ ، اوقات فراغت تفننی 36 با انحراف استاندارد $19/96$ ، اوقات فراغت ورزشی $28/01$ با انحراف استاندارد $20/43$ ، اوقات فراغت فرهنگی - هنری $20/43$ با انحراف استاندارد $20/70$ و اوقات فراغت علمی - فرهنگی $15/34$ با انحراف استاندارد $18/97$ است. بنابراین اوقات فراغت خانوادگی دارای بیشترین میانگین و اوقات فراغت علمی - فرهنگی دارای کمترین میانگین است و نابرابری اوقات فراغت فرهنگی - هنری بیشترین و اوقات فراغت خانوادگی کمترین است.

در خصوص نحوه ارتباط ابعاد اوقات فراغت با شادی ترتیب تأثیرگذاری هر کدام از آن ابعاد بر شادی از قوی‌تر به ضعیف‌تر عبارتند از بُعد خانوادگی، بُعد تفننی و سرگرمی، بُعد علمی - فرهنگی، بُعد فرهنگی - هنری و بعد ورزشی. در خصوص رابطه ابعاد اوقات فراغت با ابعاد شادی نیز نتیجه حاصل چنین است که بُعد خانوادگی با بعد احساسی شادی، بُعد تفننی با بُعد اجتماعی شادی، بُعد علمی - فرهنگی با بُعد شناختی شادی، بُعد فرهنگی - هنری با بُعد شناختی شادی و بُعد ورزشی اوقات فراغت با بُعد احساسی شادی دارای رابطه قوی‌تری از سایر ابعاد شادی هستند.

منابع

- آرگایل، مایکل (۱۳۸۳)، *روان‌شناسی شادی*، ترجمه فاطمه بهرامی و دیگران، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
- آیزنک، مایکل دبلیو (۱۳۷۵)، *روان‌شناسی شادی*، ترجمه مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی، انتشارات بدر.
- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵)، بررسی شاخصهای توسعه اجتماعی و سطح‌بندی آن در شهرستانهای استان اصفهان، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- الوانی، مهدی و میرعلی نقوی (۱۳۸۰)، «سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها»، *فصلنامه مدیریت*، شماره‌های ۳۳ و ۳۴.
- ایوانز، دیوید و دیگران (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه دین و جرم»، مترجم علی سلیمی، *نشریه حوزه و دانشگاه*، شماره ۲۳.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه.
- تقی‌زاده، کبری (۱۳۸۵)، *بررسی رابطه بین رضایت شغلی با شادمانی و سرزندگی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه اصفهان.
- جعفری، ابراهیم، محمدرضا عابدی و محمدجواد لیاقت‌دار (۱۳۸۳)، «بررسی میزان شادمانی و عوامل همبسته آن در میان دانشجویان دانشگاههای شهر اصفهان»، *گزارش نهایی طرح پژوهشی*، معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره طرح: ۸۲۰۱۰۱.
- رمضانی، محمد (۱۳۸۴)، *تبیین رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، بخش اسناد دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سراج‌زاده، حسین (۱۳۷۷)، *نگرشها و رفتارهای دینی نوجوانان تهران و دلالت‌های آن بر نظریه‌های سکولار شدن*، *نمایه پژوهش*، شماره ۷ و ۸.
- شارع‌پور، محمود و غلامرضا خوش‌فر (۱۳۸۱)، *رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان در شهر تهران*، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰.
- شکوری، علی (۱۳۸۳)، *خرده فرهنگ و سبک‌های زندگی جوانان در شهر تهران*، سازمان ملی جوانان، پژوهشکده ملی مطالعات جوانان.
- طریقه‌دار، ا. (۱۳۷۹)، *شرح و شادی*، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حضور.
- عابدی، محمدرضا (۱۳۸۴)، *شادی در خانواده*، تهران: انتشارات مطالعات خانواده.
- _____ (۱۳۸۱)، *بررسی و مقایسه اثربخشی روشهای مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی*، سازگاری شغلی و مدل شناختی رفتاری فردا پس بر کاهش افسردگی شغلی مشاوران آ. پ. شهر اصفهان، پایان‌نامه دکتری مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- عمید، حسن (۱۳۶۹)، *فرهنگ عمید*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، *پایان نظم*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: چاپ اطلس.
- قرائی مقدم، امان‌اله (۱۳۷۷)، *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات ابجد.
- کشاورز، امید (۱۳۸۴)، *بررسی رابطه شادکامی با سرزندگی و جزمیت - انعطاف‌پذیری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- گنجی، محمد (۱۳۸۳)، *تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- مساواتی آذر، مجید (۱۳۷۲)، *مبانی جامعه‌شناسی*، تبریز: انتشارات احرار.
- مظفر، ح (۱۳۷۹)، «اثر نشاط روحی بر شکوفایی خرد»، *تربیت*، شماره ۷.
- مرادی، مریم (۱۳۸۳)، *بررسی جایگاه، اهمیت و تأثیرات شادمانی در تعلیم و تربیت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- ملاحسنی، حسین (۱۳۸۱)، *بررسی رابطه میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی.
- نوغانی، محسن (۱۳۸۲)، «آموزش و پرورش و بازتولید فرهنگی»، *رشد علوم اجتماعی*، شماره ۳.

- Bergsma, A. (2006), "Book Reviews: parents and teacher as the founder of happiness", *Journal of Happiness Studies*, no. 7.
- Brulde, B. (2006), happiness theories of the good life, *Journal of Happiness Studies*, no. 7.
- Diener, E.D. and Suh (1997), measuring quality of life, *social Indicators Research*, no. 40.
- Diener, E.D. and LuRas, c. (2000), "explanation differences in social levels of happiness", *Journal of Happiness Studies*, no. 1.
- Francis, L. (2003), *The Relationship Between Religion and Happiness Among German Students*, *Pastoral Psychology*, vol. 51, no. 4.
- Glatzer, W. (2000), happiness: classic theory in the light of current research", *Journal of Happiness Studies*, no. 1.
- Lu, L. (2001), "understanding happiness: a look into the chinese Folk Psychology", *Journal of Happiness Studies*, no. 2.
- Max, H. and Markhs, U. (2006), "how Social Relations and structures can produce Happiness and Unhappiness", *Social Indicators Research*, no. 75.
- Ott, J. (2005), "book reviews: neuroscience of happiness", *Journal of Happiness Studies*, no. 6.
- Pearce, L and W.G. Axxin (1998), "The impact of religious life on the Quality of mother child relations", *American Sociological Review*, no. 63.

- Uchida, Y. (2004), "Cultural Constructions of Happiness", *Journal of Happiness Studies*, no. 5.
- Unesco (1982), *Final Report of World Conference on Cultural Policies*, organized by UNESCO in Mexico City.
- Veenhoven, R. (2000), "The Four Quality of Life", *Journal of Happiness Studies* No. 1.
- (2006), *Newdirection in the Study of Happiness*, October 2006, www.veenhoven.fsw.eur.nl.
- Welsch, H. (2003), "Freedom and Rationality as Predictor of Happiness Patterns", *Journal of Happiness Studies*, No. 4.

Archive of SID